



صاوات

جمعه ۳۰ آبان ماه سال ۱۳۹۹

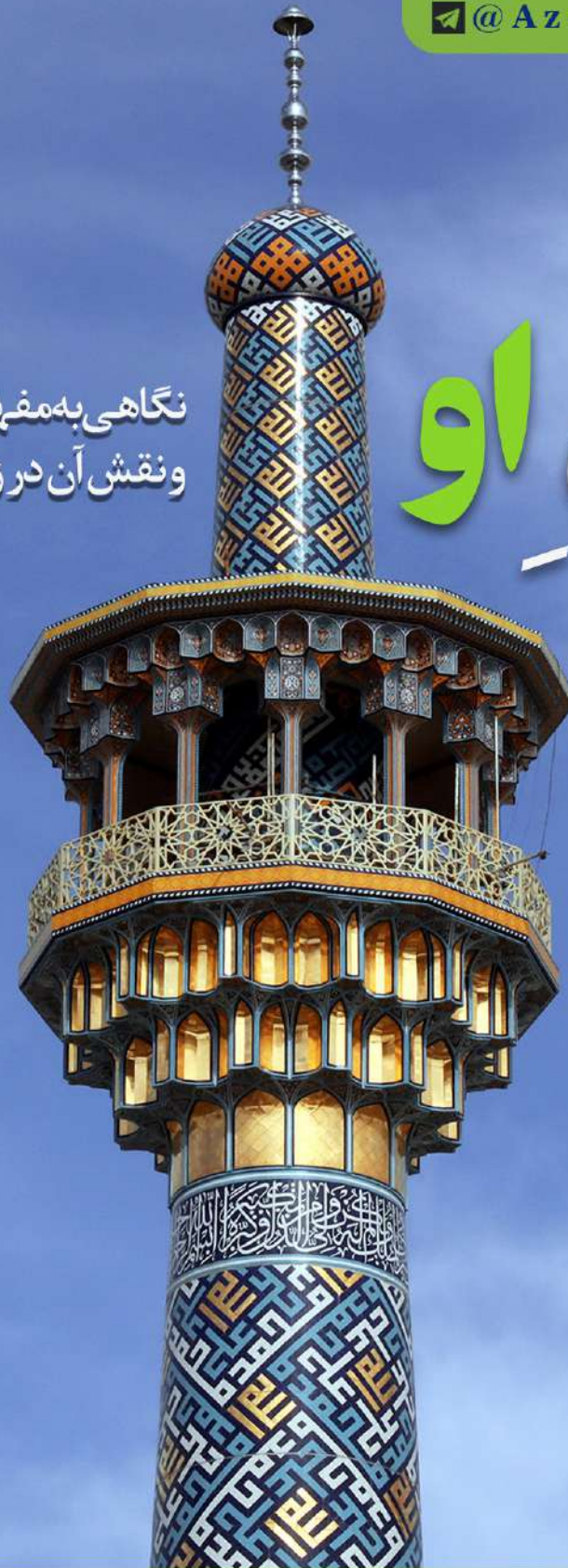
شماره ۴۹

نشریه فرهنگی اجتماعی هیات الزهراء (س) دانشگاه صنعتی شریف

@AzzahraMaktubat

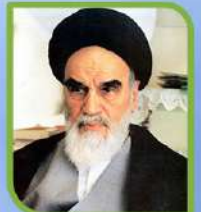
نگاهی به مفهوم حکومت اسلامی
و نقش آن در زندگی امروز ما

از آن او



این شماره از حیات تقدیم می شود به امام خمینی (رحمت الله علیه)

سید روح الله موسوی خمینی، اول مهرماه ۱۲۸۱ خورشیدی در خمین و در خانواده ای اهل دانش متولد شد. وی در حوزه به تحصیل فقه، فلسفه اسلامی و عرفان پرداخت و در سال ۱۳۱۳ به اجتهاد رسید. به دلیل اعتراض به تبعیت شاه از سیاست اسرائیل و آمریکا، در عاشرماه ۱۳۴۲ خورشیدی، ۱۰ ماه زندانی شد و سپس در ۱۳۴۳ به دلیل سخنرانی علیه اعطای کابینتولانسیون به مستشاران نظامی آمریکایی، تبعید شد. او ۱۴ سال در تبعید زیست، که حدود یک سال در ترکیه، سپس عراق، و در پایان چند ماه در فرانسه بود؛ طی این مدت پیگیر اوضاع سیاسی ایران بود و با ارسال پیام و اعلامیه، به رهبری انقلابیون پرداخت. وی در آخرین روزهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان رهبر آن، شورای انقلاب و دولت موقت را تشکیل داد. پس از خروج شاه از ایران، در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ امام خمینی به ایران بازگشت و در ۲۷ بهمن انقلاب اسلامی پیروز و حکومت شاهنشاهی در ایران پس از ۲۵۰۰ سال منقرض شد. چندی بعد از طریق برگزاری همه پرسی، مردم ایران نظام جمهوری اسلامی را انتخاب نمودند. امام روح الله در ۱۴ خرداد ۶۸ درگذشت و مراسم خاکسپاری وی، با حضور بیش از ۱۰ میلیون نفر که در حدود یک ششم جمعیت آن زمان ایران را شامل می شد به عنوان شلوغ ترین تشییع یبکر، در تاریخ ثبت شد



صدرا صادقی - ۹۸ نفث
سرمقاله ۲ دقیقه

زمین بازی دین و سیاست

«وی در خانواده‌ای مذهبی دیده جهان‌گشود»؛ جمله‌ای کلیشه‌ای و آشنا، اما چقدر درباره‌ی مفهوم مستتر در آن اندیشیده‌ایم؟ مذهبی بودن خانواده چقدر در رشد و پیشرفت فرد تاثیردارد؟ و در کل محیط بیرونی چقدر در احوالات درونی آدم تاثیرگذار است؟ آیا پدر و مادر وظیفه دارند که محیط را برای موفقیت فرزندشان مهیاکنند و او را به کمال برسانند؟ حال می‌خواهم زاویه نگاه را بزرگتر کنم آیا حکومت اسلامی وظیفه دارد مردم را به بهشت (بخوانید سعادت دنیوی و اخروی) برساند؟

حکومت اسلامی طلایه‌دار شیوه‌ای عملی و نظری برای اداره‌ی جهان بر مبنای معنویت و دوری از مادیات و در نهایت رسیدن یا بهتر بگویم رساندن افراد جامعه به کمال است اما آیا واقعا چنین مبنایی برای زندگی انسان مدرن که هر لحظه از زندگی‌اش را در کشوری سیر می‌کند کارساز است؟

ایجاد حکومتی برپایه‌ی دین به مثابه‌ی این است که قانون‌ها و درادامه فرهنگ و سبک‌زندگی مردمان آن دیار برپایه‌ی آن دین خواهدبود و خواه‌ناخواه با احکام آن روبه‌رو خواهندشد؛ از لباسی که می‌پوشند، روش ارتباط با دیگران و مجازات مجرمان تا حوزه‌های اندیشه‌ای و سلیقه‌ای همه و همه را تحت تاثیر قرار خواهدداد و مردم را به سمتی می‌کشاند که درباره‌ی رابطه‌ی دین و سیاست و بیاندیشند و درباره‌ی آن حساس شوند چون تمام زندگی خود را وابسته به آن می‌دانند؛ و شاید به پدیده‌های دین‌گریزی یا دین‌گرایی سرعت بیشتری بخشد زیرا ناکارآمدی یکی ازین دویخش به پای دیگری نوشته می‌شود و یا موفقیت یکی بدون دیگری محال انگاشته‌خواهدشد.

در دین اسلام مشاهده‌می‌کنیم که پیامبر(ص) پس از ورود به مدینه حکومت تشکیل می‌دهند و در غدیر برای حکومت خود جانشین انتخاب می‌کنند، این اتفاقات در صدراسلام نشان می‌دهد که در مکتب اسلام میان دین و سیاست، هم رابطه مفهومی و نظری و هم رابطه‌ای نهادی و ساختاری وجود دارد.

جمهوری اسلامی ایران داعیه‌دار این نهضت در جهان ابتدا باید مشروعیت خود را در بین مکاتب اندیشه‌ای و عملی فراوانی که وجوددارند اثبات کند و سپس ساختار خود را بعنوان یک فرم دارای عاملیت در دنیای مدرن امروزی نشان بدهد.

علی محمد اسمعیلی
۹۸ هوافضا ۵ دقیقه

خداوند متعال در قرآن کریم یکی از اهداف بعثت انبیاء (علیهم السلام) را برقراری عدالت اجتماعی و قضاوت و داوری بین مردمان بیان می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۱ یا «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ»^۲

بی‌گمان لازمه برقراری و اجرای این احکام اجتماعی، برپایی حکومت است؛ زیرا مجموعه قوانین به تنهایی برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای آن‌که قانون مایه اصلاح و سعادت بشر شود، به قوه اجرائیه و مجری احتیاج دارد.^۳ به همین منظور شارع مقدس در کنار این احکام، مجریانی را نیز برای اجرای آن‌ها منصوب فرموده‌است که همانا انبیاء و اولیاء برگزیده خداوند هستند.

فلذا در آیات متعدد قرآن کریم به این مسئله اشاره شده‌است که حکومت از آن خداست و از جانب خداوند به افراد شایسته آن عطای می‌گردد: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ»^۴ یا «وَأَنَّا لِلَّهِ الْمُلْكُ»^۵

سنن و رویه پیامبر اکرم(ص)

این مسئله در سیره نبی مکرم اسلام (ص) نیز کاملا مشهود است. رسول اکرم (ص) به عنوان شخصیت اول اسلام، پس از دو بار بیعت با رؤسا و نمایندگان قبایل مدینه به این شهر مهاجرت فرمودند و زمینه تأسیس حکومت را در آن جا فراهم ساختند. ولایت و سرپرستی ده ساله پیامبر بر جامعه مسلمانان شیوه‌ای جدید برای اداره جامعه‌ای بود که پیشتر به شکل قبیله‌ای اداره می‌شد؛ و در واقع اولین حکومت اسلامی بود. حکومتی که دارای ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بود.

علامه طباطبایی ضرورت تشکیل حکومت در اسلام را مسئله‌ای فطری می‌دانند و می‌فرمایند: «فطری بودن نیاز به تشکیلات حکومتی به حدی بود که وقتی پیامبر اسلام (ص) پس از هجرت به مدینه دست به ایجاد دولت اسلامی زد، مردم با وجود سؤالاتی که در زمینه حیض و هلال و انفاق و دیگر مسائل عادی مطرح می‌کردند و از پیامبر (ص) توضیح می‌خواستند، در این مورد (تشکیل دولت) هیچ‌گونه سؤالی مطرح نمودند و توضیحی

حکومت اسلامی از آن اوست

حکومت اسلامی از نگاه قرآن

نخواستند.»^۶ اما همان طور که در قرآن کریم تاکید شده‌است، ضرورت اجرای احکام و قوانین اسلام منحصر و محدود به زمان حیات رسول اکرم (ص) نیست. پس به موجب استمرار قوانین اسلامی، حکومت اسلامی نیز باید ادامه پیدا کند؛ و از این رو تعیین جانشینان و مجریان احکام اسلامی پس از رسول خدا (ص) مسئله‌ای حیاتی است که تکمیل ابلاغ رسالت و اكمال دین الهی در گروهی آن است.

ائمه(علیهم السلام) و تشکیل حکومت

اگر چه به فرمان خداوند متعال که در غدیر خم توسط حضرت رسول (ص) ابلاغ شد، امام علی (ع) و پس از ایشان یازده پیشوای معصوم از نسل آن حضرت جانشینان پیامبر (ص) هستند و مسئولیت تداوم جریان حکومت اسلامی را بر عهده دارند؛ اما جریان بدعت مسیر حکومت اسلامی را در جامعه دچار انحراف نمود. از این رو ائمه هدی (ع) وظیفه یافتند تا با غاصبین جایگاه خلافت الهی مبارزه کنند و زمینه را برای حکومت اسلامی فراهم نمایند. مسئله‌ای که شاید در نگاه جزئی‌نگر و ناقص اولیه به چشم نیاید و چه بسا تناقضاتی در سیره ائمه اطهار (ع) مشاهده شود. دانشمند والای تاریخ اسلام، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌فرمایند برای دیدن مبارزات سیاسی ائمه اطهار (ع) باید نگاهی ۲۵۰ ساله (از آغاز امامت امام علی (ع) تا شروع غیبت حضرت

ولی عصر(عجل الله تعالی فرجه)) داشت؛ و به ۲۵۰ سال زندگانی ائمه اطهار (ع) به چشم زندگی یک انسان نگاه کرد. انسانی که در این ۲۵۰ سال زندگی خود در مسیری مشخص و به سوی هدفی مشخص، اما با تاکتیک‌های مختلف حرکت می‌کند. درست مثل انسانی که در حال حرکت در مسیری به سوی مقصدی است و در این راه با کوه، دره یا دریا مواجه می‌شود. عملکرد او در این مناطق یکسان نیست، و در هر موقعیتی متناسب با شرایط به حرکت خود ادامه می‌دهد. هر یک از ائمه اطهار (ع) نیز متناسب با شرایط زمانی و مکانی که در آن قرار می‌گرفتند به مبارزات خود ادامه می‌دادند. به همین جهت است که امام حسن (ع) بسته به شرایط زمانشان تصمیم به صلح و مبارزه پنهانی، اما امام حسین (ع) متناسب با شرایط زمان خود تصمیم به قیام نظامی می‌گیرند؛ و یا امام باقر (ع) و امام صادق (ع) متناسب شرایط زمانیشان مبارزات خود را در قالب فعالیت‌های علمی و تربیت شاگردان به پیش می‌برند.

چیزی که در تمامی دوران زندگی ائمه هدی (ع) مشترک است، مبارزه تشکیلاتی و پیوسته آن بزرگواران با طواغیت زمان و فراهم‌سازی زمینه برای تشکیل حکومت اسلامی است.

حکومت در زمان غیبت

اما سوالی که ممکن است ایجاد شود آن است که اکنون، در زمانه غیبت کبری، که امام زمان (عج) ظاهر

نیست و همچنین همانند غیبت صغری از طریق نواب خاص امکان ارتباط با آن حضرت وجود ندارد، مسئله حکومت اسلامی چگونه خواهد بود؟

ائمه اطهار (ع) بنا به وظیفه خود که تبیین احکام اسلامی در زمینه‌های مختلف برای بشریت است، مسئله حکومت و حاکم جامعه اسلامی در دوره غیبت را در احادیث متعدد به این صورت بیان فرموده‌اند که حاکم جامعه اسلامی باید فقیهی جامع‌الشرایط باشد. برای مثال به دو حدیث اشاره می‌کنیم: حضرت ولی عصر (عج) در پیام خود به شیخ مفید می‌فرماید: «در حوادث و پیشامدها به راویان حدیث ما رجوع کنید، زیرا آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا هستم.» و امام صادق (ع) می‌فرماید: «مردم باید دقت کنند و از میان فقهایی که راوی حدیث ما هستند و در احکام حلال و حرام ما صاحب‌نظرند و به احکام اهل بیت (ع) آشنایی دارند، فقهی را انتخاب کنند و او را در میان خود حاکم قرار دهند. چرا که من او را بر شما حاکم قرار دادم.»

بنابراین در زمان غیبت، فقیه جامع‌الشرایط به عنوان نایب امام عصر (عج) وظیفه رهبری و حاکمیت بر جامعه اسلامی را بر عهده دارد؛ و ولایت فقیه جامع‌الشرایط در جایگاه ولی امر مسلمین در راستای ولایت رسول الله (ص) و ائمه هدی (ع) بوده، و واجب‌الاطاعه‌است.

خداوند به ما بصیرت در شناخت و اطاعت از ولایت را عنایت بفرماید، ان شاء الله

- ۱- سوره مبارکه حدید، آیه ۲۵
- ۲- سوره مبارکه بقره، آیه ۲۱۳
- ۳- ولایت فقیه، امام خمینی (ره)، ص ۲۶
- ۴- سوره مبارکه آل عمران، آیه ۲۶
- ۵- سوره مبارکه بقره، آیه ۲۵۱
- ۶- بررسی‌های اسلامی، علامه طباطبایی (ره)
- ۷- برای نمونه ر.ک: آیات ۵۲ سوره ابراهیم، ۲ سوره یونس، ۴۹ سوره حج، ۴۰ سوره احزاب
- ۸- سوره مبارکه مائده، آیه ۶۷
- ۹- سوره مبارکه مائده، آیه ۳
- ۱۰- انسان ۲۵۰ ساله، آیت الله العظمی خامنه‌ای
- ۱۱- وسائل الشیعه ج ۲۷ ص ۱۴۰
- ۱۲- کافی ج ۱ ص ۶۷



مسجد کوفه - مرکز حکومت امیرالمومنین (ع)

فهرست موضوعی حیات ۴۹

پرونده ویژه: حکومت اسلامی

حکمران از آن اوست

صفحه ۱ و ۲
علی محمد اسمعیلی در این متن سعی داشته تا جایگاه مفهوم حکومت در منظومه فکری و سبک زندگی اسلامی را از دیدگاه قرآن و روایات تبیین کند.

دین و دین‌داری

صفحه ۳
محمدجواد علاء‌الدینی در این نوشتار به بخشی از وظایف و حقوق متقابل مردم و حاکمیت پرداخته است.

دین‌داری و تشکیلاتی

صفحه ۴
در این نوشتار خانم محمودی نگاهی داشته است به دوران حکومت امیر مومنان حضرت علی (علیه السلام)، به عنوان الگوی حاکمیت اسلامی.

نهضت اداری

صفحه ۷
محمدعلی بلندزاده در این متن سعی داشته است با مقایسه حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی، به تحلیل وقایعی که بر جمهوری اسلامی گذشته و وضعیت فعلی آن بپردازد.

مسائل دینی و کلامی

صفحه ۹
در این نوشتار امین شبان به بررسی حکومت‌های داعیه‌دار حکومت اسلامی در حال حاضر پرداخته است و سعی داشته تا آن‌ها را با هم مقایسه کند.

تشیع و تحریک‌های

صفحه ۱۱
در این مصاحبه از سری مصاحبه‌های «بدون مرز با حسین (ع)» به سراغ آقای محمدرضا جبه‌داری، ساکن آمریکا، رفته‌ایم و با او در مورد عزاداری و محرم در آمریکا به گفت‌وگو نشستیم.

گزارش حکومت

صفحه ۱۳
در این صفحه آقای بهزاد بالغی و امیرحسین فرشی ستوده به صورت مستقل به ارائه نظر خودشان در مورد مفهوم حکومت اسلامی پرداخته‌اند.

میم مثل مسئولیت

نگاهی کوتاه به وظایف متقابل مردم و مسئولین در حکومت اسلامی

شهری به طبقات پایین اختصاص ده؛ زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیکترین آنان سهمی مساوی وجود دارد، و تو مسئول رعایت آن می‌باشی. مبدا سر مستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد.»

وظایف مردم در قبال حکومت اسلامی مردم در نظام اسلامی، خود صاحب نظام بوده و نقش اساسی در شکل‌گیری، تداوم، کارآمدی و استمرار موفقیت‌های آن دارند؛ و تحقق بخش عنصر «مقبولیت» نظام اسلامی که یکی از دو رکن به وجود آمدن عینی نظام اسلامی است، هستند. به همین دلیل اهمیت وظایف آنان در این نظام در مقایسه با نظام‌هایی که در آنان هیچ بهایی به مردم داده نمی‌شود یا در ظاهر از مردم دم زده می‌شود ولی عملاً به جای مردم و به نام مردم کانون‌های قدرت و ثروت نقش آفرین هستند، صد چندان می‌گردد.

مهم‌ترین وظایف مردم در نظام اسلامی عبارتند از:

۱) مشارکت فعال در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی به ویژه در عرصه‌هایی که باعث تقویت نظام اسلامی و خنثی شدن توطئه‌های دشمنان می‌گردد. همچون حضور در انتخابات، راهپیمایی‌ها و ...

۲) تلاش برای سازندگی هر چه بیشتر کشور به هر نحو ممکن و به تناسب استعداد و شرایطی که هر فردی در آن قرار دارد.

۳) دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی و تلاش برای تبلیغ و معرفی این دستاوردها در جامعه به منظور تقویت روحیه انقلابی مردم و ایجاد انگیزه برای تداوم و استمرار این دستاوردها

۴) مقابله با تهاجمات فرهنگی دشمنان و به ویژه اشاعه فساد و فحشاء در جامعه، و امر به معروف و نهی از منکر که ضامن صیانت جامعه از پلیدی‌ها و فساد است.

از آنان دور کن تا آنان که با تو سخنی دارند بدون هیچ ترس و نگرانی و لکنت زبان با تو سخن بگویند.»

۴) تربیت اخلاقی و آموزش قرآن و احکام دین: از مهم‌ترین وظایف مسئولین در قبال مردم، اهتمام جدی به امور فرهنگی جامعه و آموزش مسائل دینی به جوانان و عموم مسلمانان است تا زمینه‌ی رشد فکری و اخلاقی در میان مردم هر چه بیشتر فراهم گردد. امام علی (علیه السلام) در توصیه‌ای به فُثم ابن عباس، نماینده‌ی ایشان در شهر مکه می‌فرماید: «پس از نماز ظهر و عصر در میان آنها نشسته و پاسخ کسانی را که از احکام دینی پرسش دارند، بده؛ و به جاهلان تعلیم کن. و عالمان را مورد تذکر و یادآوری قرار بده. و نباید به جز زبانت هیچ واسطه‌ای میان تو و مردم وجود داشته‌باشد و باید چهره‌ات را مستقیماً ببینند.»

همچنین در خطبه ۳۴ نهج البلاغه، در خطاب به مردم شام یکی از وظایف حاکم اسلامی را همین موضوع بیان کرده و می‌فرماید: «ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است. حق شما بر من، آن است که ... شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید، و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید.»

و در کلامی دیگر می‌فرماید: «امام و حاکم اسلامی موظف است معارف اسلامی و ایمانی را به افراد تحت حکومتش آموزش دهد.»

۵) پرورش احساس: یکی از مهم‌ترین وظایف مسئولین در قبال مردم، توجه ویژه به قشر محروم و مستضعف است همچنان که خداوند در مورد حق آن‌ها توصیه و سختگیری فراوان نموده است. مولای متقیان در کلامی توصیه می‌فرماید: «سپس خدا را، خدا را در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه ... بخشی از بیت المال، و بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمی اسلام را در هر

محمد جواد علاءالدینی
۹۸ کامپیوتر
۵ دقیقه



در تفکر اسلامی ریاست بر مردم به عنوان مسئولیتی سنگین و خطیر محسوب می‌شود.

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ» (رئیس و آقای هر قوم، خدمتگزار آن‌ها است)

در دورانی که معصومین در رأس حکومت قرار گرفته‌اند، با حساسیتی فراوان نسبت به این مهم رفتار کرده‌اند.

برای نمونه، در بخش‌هایی از توصیه امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مالک اشتر هنگام اعطای ولایت مصر آمده است: «مهربانی و محبت و لطف به رعیت را شعار قلب خود قرار ده. بر رعیت همچون حیوان درنده مباش که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ که رعیت بر دو گروهند: یا برادر دینی تو هستند یا انسان‌هایی مانند تو. اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا مشکلاتی بر آنان عارض می‌گردد، و خواسته یا ناخواسته اشتباهی مرتکب می‌شوند، آنان را ببخشی و بر آن‌ها آسان‌گیر آن‌گونه که دوست داری خدا تو را ببخشاید و بر تو آسان گیرد. چرا که تو از نظر قدرت برتر از آنانی، و آن که بر تو ولایت دارد بالاتر از تو است، و خداوند برتر از آن کسی که تو را والی مصر نموده. خداوند کفایت امور رعیت را از تو خواسته، و به خاطر آنان تو را در عرصه آزمایش قرار داده.»

در آیات، احادیث و سیره معصومین وظایف متعددی برای مسئولین حکومت اسلامی ذکر شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱) دوری از تکبر و فخر فروشی: یکی از صفات ناپسند اخلاقی، که در مورد کارگزاران حکومتی به صورت ویژه و خاص ناشایست است، تکبر و غرور است. در کلامی مشهور از امیرالمؤمنین (ع) آمده است: «أفت ریاست فخر است.»

۲) گشاده‌رویی، محبت و مدارا با مردم: امیرالمؤمنین (ع) در توصیه‌ای خطاب به محمد ابن ابی‌بکر، والی ایشان در مصر می‌فرماید: «در برخورد با مردم، رفتاری از روی فروتنی، نرمخویی و مهربانی داشته، و با آنان گشاده‌رو و خندان باش.»

۳) انتقادپذیری: امیرالمؤمنین (ع) در این زمینه فرموده‌اند: «پاره‌ای از وقت خویش را برای آنان که با تو سخنی دارند قرار بده؛ و در مجلسی عمومی به حرف‌های آنان گوش فرا ده. سپس در آن مجلس برای خداوندی که تو را خلق کرده، فروتن باش؛ و لشکریان و نیروهای نظامی و انتظامی و محافظان شخصی‌ات را



هم به قدر تشنگی باید چشید

نگاهی به جوانب حکومت امام علی (علیه السلام)

زینب محمودی

۹۷ میکروبیولوژی دانشگاه الزهرا ۵ دقیقه

حیات

شیوه رفتار یک کارگزار صالح، کارگزاران را نسبت به لغزش‌هایی که در طریق قدرت وجود دارد آگاه می‌ساخت. «ای مالک! بدان من تو را به کشوری فرستادم که پیش از تو دولت‌های عادل و ستمگری بر آن حکومت داشتند و مردم به کارهای تو همان گونه می‌نگرند که تو در امور زمامداران پیش از خود می‌نگری و همواره درباره تو همان خواهند گفت که تو درباره آنان می‌گفتی... از گذشت خود آن مقدار به آن‌ها عطا کن که دوست داری خداوند از عفوش به تو عنایت کند.»^۱

(ب) انجام بازرسی مستمر

آن حضرت همیشه به فرمانداران خود توصیه می‌نمود که افرادی خیره و متعهد و امین به عنوان بازرس، به صورت آشکار و پنهان کار عاملان و کارمندان حکومتی را مورد بررسی قرار دهند؛ و آنچه را که مشاهده می‌کنند به فرمانداران گزارش دهند. چنان که به مالک اشتر چنین امر می‌فرماید: «کارهای آنان را زیر نظر بگیر و [برای آنان] ماموران مخفی راستگو و باوفا بگمار؛ زیرا مراقبت و بازرسی پنهانی امور آنان، سبب می‌شود که آنان به امانت داری و مدارای با مردم وادار شوند. اعوان و انصار خویش را سخت زیر نظر بگیر. اگر یکی از آنان به خیانت دست زد و گزارش ماموران مخفی تو بر اتفاق آن را تایید کرد، به همین مقدار از شهادت بسنده کن و او را زیر تازیانه کیفر بگیر و آن چه به خاطر اعمالش به دست آورده از او بگیر و او را در جایگاه ذلت قرار ده و علامت خیانت بر او بگذار و طوق بدنامی به گردنش ببفکن.»^۲

(ج) توجه خاص به ضعفا و ستم‌دیدگان

امام علی (علیه السلام) در روش حکومتی خویش همیشه این را مدنظر داشته و تاکید می‌ورزیدند که به همه انسان‌ها به یک چشم نگریسته شود و در بین آنان تساوی حقوق و امکانات فراهم آورده شود. در توصیه‌هایی که آن بزرگوار به کارگزاران خود داشته‌اند چنین آمده است: «سپس خدا را خدا را در طبقه پایین از مردم، آنان که راه چاره ندارند؛ از تهی‌دستان و نیازمندان و گرفتاران و کسانی که [به خاطر بیماری] زمین‌گیر شده‌اند [مراقب باش].»^۳

کشف احکام خدا به دنبال خواست مردم نبود بلکه خواست خدا را در نظر داشت. اما برای اجرا و تحقق امور حکومت به مشورت و نقد و انتقاد مردم ارزش فراوانی می‌داد.

(۲) عدالت‌طلبی

از جمله ویژگی‌های بارز حکومت امام علی (ع)، عدالت طلبی او است که زبانزد عام و خاص است و همگان - حتی مخالفین او - به آن اعتراف دارند. امام در اجرای عدالت هرگز مصلحت‌اندیشی نمی‌کرد. از این رو عدالت طلبی امام را بسیاری تاب نیاوردند و کوس جدایی طلبی زدند و به چالش کشیده شدند و یا دست به شمشیر بردند و در کوی و برزن دست به مخالفت زدند. اما امام علی (ع) می‌فرماید: «به خدا سوگند که داد ستم دیده را از آن که بر او ستم کرده بستانم.»^۴

(۳) اصلاح طلبی

از جمله ویژگی‌های حکومت امام علی (ع)، اصلاح طلبی است. امام هنگامی به حکومت رسید که جامعه از مسیر اصلی و از توحید فاصله گرفته بود. دورانی که احادیث جدیدی به نقل از پیامبر وارد دین شده و احکام اسلام ناب محمدی کم‌تر بیان می‌شد، و به بعضی از احکام نیز عمل نمی‌شد. کار به جایی کشید که اعیان و اشراف و باندهای ثروتمند^۵ در راس حکومت قرار گرفته، ارزش‌های اسلامی پایمال شده، بسیاری از تبعیدشدگان زمان پیامبر برگشته و به حکومت رسیده بودند. به همین دلیل امام (ع) استانداران را عوض کرد.

(۴) صیانت کارگزاران

با آن که حضرت علی (علیه السلام) اهتمام ویژه‌ای در انتخاب کارگزارانی شایسته و باکفایت داشت، و افرادی را که از هر لحاظ لیاقت کافی برای اداره امور جامعه داشتند به کار می‌گماشت، ولی پس از انتخاب آنان را به حال خود وانمی‌گذاشت و به شیوه‌های گوناگون تلاش می‌کرد آنان را از افتادن در دام انحراف باز دارد. برخی از این شیوه‌ها عبارتند از:

(الف) نشان دادن راه

آن حضرت با نشان دادن و بیان کردن خط مشی و

امام علی (ع) می‌فرماید: «ای مردم، سزاوارترین کس به حکومت قوی‌ترین مردم نسبت به آن و داناترین آنان به فرمان خداوند در مورد آن است.»^۱ به راستی چه کسی سزاوارتر از برگزیدگان معصوم خداوند برای اجرای فرامین الهی در جامعه اسلامی است؟ حضرت علی (علیه السلام) در خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه انگیزه خود از پذیرش حکومت را چنین بیان می‌دارد: «پروردگارا! تو می‌دانی آن چه ما انجام دادیم، نه برای این بود که ملک و سلطنتی به دست آوریم و نه برای این که از متاع پست دنیا چیزی تهیه کنیم. بلکه بدان سبب بود که نشانه‌های از بین رفته دینت را بازگردانیم و صلح و اصلاح را در شهرهای آشکار سازیم؛ تا بندگان ستم‌دیده‌ات در ایمنی قرار گیرند و قوانین و مقررات تو که به دست فراموشی سپرده شده بار دیگر عملی شود.»

هر نظام و حکومتی دارای خصوصیتی است که برخی از آن‌ها موجب برتری و امتیاز آن حکومت از دیگر نظام‌ها می‌گردد که باید آن‌ها را شناخت و در راستای بهسازی نظام به کار گرفت. از نگاه حضرت علی (علیه السلام) ساختار حکومت نه صرفاً به دلیل نقش آن در مدیریت امور اقتصادی و اجتماعی و تامین امنیت و آبادانی و رفاه مردم، بلکه مهم‌تر از آن، به دلیل نقش حکومت در شکل‌گیری رفتار و اخلاق جامعه و سرشت و سرنوشت معنوی مردم جایگاه برجسته و مهمی پیدا می‌کند؛ همچنان که فرموده است: «الناس بأمرائهم ائبیه منهم بآبائهم»^۲ مردم به زمامدارانشان بیش از پدرانشان شباهت دارند.

ویژگی‌های حکومت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

خدا محوری، عدالت طلبی، مردم‌داری، اصلاح طلبی، انتصاب مسئولین بر محوریت شایستگی، دوری از تشریفات و خان‌سالاری، ایجاد امنیت و آزادی در جامعه را می‌توان از جمله ویژگی‌های حکومت علی (ع) دانست.

(۱) خدا محوری

اساس حکومت امام علی (ع) خدا محوری بود. در گفتار، رفتار و کردارش به خدا می‌انداشید و حکومت را وسیله می‌پنداشت نه هدف. او با حکومت احکام خدا را اجرا می‌کرد و مردم را با منبع فیض آشنا و به سوی حق می‌کشاند و نور الهی را در کالبد آنان می‌دمید.

حکومت آن حضرت بر محور دین بود نه نظرات مردم. اگر خواست مردم مطابق با اسلام بود، می‌پذیرفت ولی اگر با اسلام در تضاد بود، هرگز به آن عمل نمی‌کرد. امام علی (ع) برای استنباط و



برای مشاهده متن کامل این مقاله کلیک کنید

۱: نهج البلاغه خطبه ۱۷۳
 ۲: تحف العقول، ابن شعبه حرانی، ص ۱۴۴
 ۳: تجلی امامت (تحلیلی از حکومت امیرالمؤمنین علی (ع)) ناظم زاده، قمی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
 ۴: علامه امینی (ره)، الغدير، جلد ۸
 ۵: نهج البلاغه نامه ۳۸
 ۶: نهج البلاغه نامه ۵۳
 ۷: همان



جان کلام

5 members



جمهوری اسلام لفظ نیست

1:10 PM ✓✓

Emam Khomeini

مملکت ما وقتی مملکت اسلامی است که تعالیم اسلام در آن باشد. اگر تعالیم اسلامی در آن نباشد اسلامی نیست؛ هر چه ما بگوییم «جمهوری اسلامی»، جمهوری اسلامی لفظ نیست. با رأی ما جمهوری اسلامی تحقق پیدا نمی‌کند. بله، رژیم رسمی رژیم جمهوریت می‌شود لکن اسلامی نمی‌شود مگر آن که احکام اسلام در او جاری بشود. با جریان قانون اساسی هم اسلامی نمی‌شود؛ با مجلس شورا هم اسلامی نمی‌شود. این‌ها همه مقدمه است. وقتی می‌توانید بگویید که مملکت اسلامی است که بازار، اسلامی بشود؛ تهذیب نفس باشد. نه مثل بازار ما که سنگر گران فروشی و تعدی است! وقتی اسلامی می‌شود که مرد و زن اسلامی بشوند؛ همه افراد اسلامی باشند. الگو حضرت زهرا سلام الله علیها است. الگو پیغمبر اسلام است. ما وقتی مملکتان اسلامی است، وقتی می‌توانیم ادعا کنیم که جمهوری اسلامی داریم، که تمام این معانی که در اسلام است تحقق پیدا بکند.

1:10 Pm

اسلام باید در دل و عمل همه وجود داشته باشد

1:10 PM ✓✓

Emam khamenei

جمهوری اسلامی و نظام اسلامی که یک ملت برای آن این همه زحمت کشیده و فداکاری کرده است، نظامی است که اسلام در دل و در عمل و در وجود یکایک افراد، وجود داشته باشد. این طور نیست که بگوییم نظام، اسلامی شد؛ اما اداره فاسد باشد؛ رشوه‌گیری رواج داشته باشد؛ بدخواهی و بددلی، همه جا باشد؛ سوء عمل و بدکارگی باشد؛ بیکارگی باشد؛ تنبلی باشد. این که نظام اسلامی نیست. نظام اسلامی آن است که انسان‌ها هر کدام، هر روز درصدد بهتر کردن خودشان باشند. در نظام اسلامی، یکی از شعارهای همیشه زنده‌اش این است که «من استوی یوماه فهو مغبون» من و شما اگر امروزمان مثل دیروز باشد، مغبونیم و سرمان کلاه رفته است.

1:10 Pm

تامین مصالح معنوی

1:10 PM ✓✓

Ayatollah Mesbah Yazdi

دیدگاه انبیاء و به خصوص پیامبر بزرگ اسلام (ص) این است که وظیفه حکومت علاوه بر تامین مصالح و نیازمندی‌های مادی، تامین مصالح معنوی نیز هست؛ و حتی تامین مصالح معنوی، اهم و ارجح و مقدم بر تامین مصالح مادی است. یعنی حکومت باید قانونی را اجرا کند که هدف نهایی‌اش تامین مصالح معنوی، روحی، اخلاقی و انسانی باشد. همان مسائلی که دین آن‌ها را هدف نهایی بشر می‌داند و کمال انسانی را وابسته به آن‌ها می‌داند. آفرینش انسان در این جهان و مجهز شدن او به نیروی آزادی و انتخاب را برای همین می‌داند که این هدف عالی را بشناسد و دنبال کند.

1:10 Pm



Message



مشروعیت در حکومت

1:10 PM ✓

Emam Khamenei

در اسلام مردم یک رکن مشروعیتند، نه همه‌ی پایه‌ی مشروعیت. نظام سیاسی در اسلام علاوه بر رأی و خواست مردم، بر پایه‌ی اساسی دیگری هم که تقوا و عدالت نامیده می‌شود استوار است. اگر کسی که برای حکومت انتخاب می‌شود از تقوا و عدالت برخوردار نبود، همه‌ی مردم هم که بر او اتفاق کنند از نظر اسلام این حکومت، حکومت نامشروعی است. این موضوع در همه‌ی رده‌های حکومت صدق می‌کند و فقط مخصوص رهبری در نظام جمهوری اسلامی نیست. البته تکلیف رهبری سنگین‌تر است و عدالت و تقوایی که در رهبری لازم است، به‌طور مثال، در نماینده‌ی مجلس لازم نیست. اما این بدین معنا نیست که نماینده‌ی مجلس بدون داشتن تقوا و عدالت می‌تواند به مجلس برود. نخیر، او هم تقوا و عدالت لازم دارد.

1:10 Pm



هدایت جامعه

1:10 PM ✓

Shahid Motahhari

حکومت یعنی مظهر ارشاد و هدایت جامعه. در حکومت‌های قدیم، مسئله ارشاد و هدایت از مسئله حکومت منفک بوده است. ولی تدریجاً هر چه جامعه به اصطلاح تکامل پیدا کرده، بر حوزه عمل حکومت‌ها افزوده شده و کم کم مسائل فرهنگی و معنوی و ارشاد و هدایت جزء قلمرو حکومت قرار گرفته‌است. جامعه نیازمند است به دستگاهی که آن را در مسائل مختلف، تعلیم و تربیت و ارشاد کند و آن حکومت است.

1:10 Pm



همراهی مردم

1:10 PM ✓

Ayatollah Javadi Amoli

حکومت اسلامی هیچ‌گاه بدون خواست و اراده‌ی مردم متحقق نمی‌شود؛ و تفاوت اساسی حکومت اسلامی با حکومت‌های جابر در همین است که حکومت اسلامی حکومتی مردمی است و بر پایه‌ی زور و جبر نیست، بلکه بر اساس عشق و علاقه‌ی مردم به دین و حاکم اسلامی صورت می‌پذیرد. و هرچه مردم از اخلاق و معارف دینی بهره‌مندتر باشند و هر چه احکام دینی را بیشتر عمل کنند و هر چه از اتحاد و همبستگی و الفت الهی برخوردار باشند، حکومت اسلامی نیز استوارتر و در رسیدن به اهدافش موفق‌تر است. و هیچ‌گاه نباید تصور نمود که اگر مردم با حکومت اسلامی نباشند و اگر مؤمنان راستین کمر همّت نبندند، خداوند حکومت اسلامی را برپا می‌دارد.

1:10 Pm



Message



نگاهی کوتاه به جمهوریت و اسلام؛ راه های رفته و نرفته

نهیضت ادا امامت دار...



محمد علی بلندزاده

۹۸ هوافضا

۵ دقیقه

نیکسون رئیس جمهور سابق آمریکا در کتابش می نویسد: «انقلاب ایران در ظاهر جنبه ضد استبدادی داشت، اما در واقع انقلابی علیه ارزش های غربی بود. همان قدر که از سرمایه داری تنفر داشت، از کمونیسم متنفر بود. آنها را دو روی سکه مادی گرایی می دید. جوانان از انقلاب حمایت کردند، نه برای اینکه خواهان آزادی، شغل، مسکن و لباس بهتر بودند؛ چیزی را می خواستند تا بیش از مادی گرایی معتقد باشند. مردم ایران همان چیزی را به دست آوردند که انقلاب قول داده بود. جای انکار نیست که انقلاب اسلامی یک انقلاب واقعی اندیشه ها را ارائه داد و مردم با عشق و ایمان پذیرفتند.»

حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی

شاید هرکس که اندکی از اسلام مطالعه کند متوجه بشود که اسلام یک دین سیاسی است و با حکومت کار دارد و دستورات و احکامی که دارد اساسا با وجود یک حکومت اسلامی قابل اجراست. اما امروز واژه حکومت اسلامی در مقابل جمهوری اسلامی شنیده می شود. اساسا منظور از این دو عبارت چیست؟ چیزی که می توان گفت این است که اسلام یک سری چارچوب کلی را متناسب با احکام ثابت و متغیر خود برای حکومت تعریف کرده و به شکل خاصی از ساختار نظام سیاسی اشاره ندارد. با این تعریف فرق حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی فرق محتوا و قالب است. در واقع چیزی که تحت عنوان جمهوری اسلامی اطلاق می شود یک ساختار سیاسی شامل نهادها و سازمان های مختلف می باشد. ساختاری که با سه انتخاب و همه پرسی پیاپی شکل گرفت. در ابتدا امام جایگزین نظام قبل را جمهوری اسلامی معرفی کرد و آن را به فرزندوم مردم گذاشت و بعد از آن انتخاباتی برای

خداست اما در مرحله اجرا این مردم هستند که باید حکومت الهی را به اجرا درآوردند و خواهان آن باشند. و با زور نمی توان آن را بر مردم تحمیل کرد. همان طور که حاکم بودن امیرالمومنین (ع) از سوی خداوند و به طریق پیامبر (ص) ثابت شده بود و حق حکومت با ایشان بود؛ اما تا حمایت مردم وجود نداشت این حاکمیت به فعلیت نرسید. خود حضرت هم در خطبه ای اتمام حجت بر خود را جمع شدن جمعیت بسیار مردم گرد ایشان خطاب می کند. با این حساب هر حکومت اسلامی ای باید با خواست مردم شکل بگیرد و ساختار آن به وجود آید.

اصولا هر حکومتی نیازمند مشروعیت است و جمهوری اسلامی هم از این قاعده مستثنا نیست و این مشروعیت در مرحله عینی به رای مردم نیازمند است. تعبیر امام خمینی (ره) چنین است: «در حکومت اسلامی، کسی اجازه ندارد که دیکتاتوری کند و همه باید تابع آرای ملت باشند. خدای متعال و پیامبر عظیم الشان به حاکمان اسلامی حق نداده اند که چیزی را بر مردم تحمیل کنند» اصل ۵۶ قانون اساسی هم این دیدگاه را بیان میدارد که «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است.»

اما این خواست مردم فقط در مرحله تشکیل و ایجاد حکومت اسلامی است؟ از دیدگاهی که اسلام به حکومت و مردم دارد برمی آید که وقتی هدف رشد جامعه باشد، پس نه تنها برای تشکیل حکومت بلکه برای رسیدن به اهداف و آرمان ها هم خواست مردم بسیار مهم است. در روایتی طولانی از حضرت علی (ع)، ایشان بیست مورد از بدعت های خلفای پیشین را ذکر می کند که به دلیل عدم همراهی مردم نتوانستند آن ها را از بین ببرند. پس اصولا حکومت اسلامی نه تنها در ایجاد بلکه در رسیدن به اهداف خود هم بدون همراهی مردم نمی تواند کاری از پیش ببرد.

البته که این نقش مردم فقط در انتخابات ها نیست اما ملموس ترین آن انتخابات است. بیانگذار نظام بیانی از این قضیه دارد: «(اینجا آرای ملت حکومت می کند. اینجا ملت است که حکومت را در دست دارد و این ارگان ها را ملت تعیین کرده است و تخلف از حکم ملت، برای هیچ یک از ما جایز نیست.)»

اما به چه دلیل انتخابات ها ملموس ترین و عینی ترین نقش مردم در حکومت است؟ با نگاهی به تاریخ انقلاب می توان با تقریب خوبی نتایج انتخابات های گوناگون را ناشی از حاکم شدن دغدغه هایی خاص و گفتمان شدن موضوعاتی در آن مقطع بوده است از ابتدای

تعیین افرادی که قانون اساسی را تدوین کنند، برگزار شد و بعد از تدوین باز هم یک همه پرسی برای تأیید ملت و بدین ترتیب اساس این ساختار با پشتوانه مردمی شکل گرفت و البته ده سال بعد اصلاحاتی مثل ادغام نخست وزیری و ریاست جمهوری و حذف شورای عالی قضایی و جایگزینی ریاست قوه قضاییه و چند تغییر دیگر روی آن انجام شد.

چیزی که تحت عنوان جمهوری اسلامی می شناسیم این ساختار بر پایه قانون اساسی است و قطعا هر کدام از این ساختارها و افراد و ارگان ها در طی این ۴۲ سال عملکرد جداگانه ای داشتند که برای بررسی عملکردها هم باید این نگاه جداگانه را در نظر گرفت.

جمهوریت و جایگاه مردم

اما در یک دید کلی برای نگاه به عملکرد جمهوری اسلامی و میزان موفقیت آن در رسیدن به اهداف و آرمان ها در ابتدا باید این اهداف را شناخت. یکی از اصلی ترین بحث ها موضوع جمهوریت و نقش آفرینی مردم است. اساسا اندیشه بنیانگذار انقلاب از حکومت اسلامی چه بود که منجر به مصداق عینی آن یعنی جمهوری اسلامی شد؟ از مباحث مهم در اندیشه سیاسی امام، که در سراسر عمرشان بر آن تاکید داشتند لزوم حکومت در اسلام و نفی سکولاریسم میباشد که در کتاب ولایت فقیه ایشان به شکل کامل تر آورده شد و این مباحث زمینه فکری انقلاب اسلامی را فراهم آورد. امام بر مبنایی، در این کتاب معتقد به حکومت قانون الهی بر مردم بودند و نه حکومت مردم بر مردم. اصلی ترین شاخصه حکومت اسلامی این است که احکام الهی، مبنا است و حتی خواست بشری هم مبنا نیست. و این جا دقیقا نقطه تضاد جمهوری اسلامی با دموکراسی به مفهوم لیبرالی است. اما برای به فعلیت رسیدن این احکام نیاز به انتخاب مردم است. درست است که در اسلام حق حاکمیت با



۳- موانع درونی: رسیدن به اهداف بلند انقلاب که در واقع بزرگترین آمال سعادت بشری از دید اسلام است به هیچ وجه آسان نیست و موانع درونی برای آن بسیار است ضعف های فکری راحت طلبی عدم اتکا به خود و ناتوان دانستن ظرفیت های داخلی و البته ضعف هایی که تحت تاثیر فرهنگ غرب و مواجهه با مدرنیته پدید آمده مثل خودمحموری و مصرف گرایی و مادی نگری و... چه در نگاه مسئولین و چه در نگاه مردم بی تاثیر در رسیدن به بعضی از اهداف نبود.

انقلاب به معنای یک تغییر در همه ابعاد برای رسیدن به اهداف متعالی هیچگاه تمام نمیشود. امروز اگر به بعضی از آرمان هایمان نرسیده ایم باید آن ها را فریاد بزنیم و گفتمان غالب کشور کنیم و قطعاً این تغییر افکار راه رسیدن به اهداف و آرمان ها را هموار تر خواهد کرد.

مردمی که خود اعتقاد راسخ به اهدافی مثل عدالت و ظلم ستیزی و توجه به محرومان و... داشته باشند قطعاً و در نهایت مسئولینی متضاد با این اعتقادات نخواهند داشت. همان طور که رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم

تصریح داشتند: «اگر بی توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه هایی از تاریخ چهل ساله نمیبود - که متأسفانه بود و خسارت بار هم بود- بی شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمانهای بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمیداشت.» بنابراین ظرفیت های موجود در کشور اعم از نیروی انسانی و طبیعی انسان را امیدوار به آینده می کند که اگر مردم و مسئولین باز هم همان آرمان های اول انقلاب را اعتقاد و در عمل پیاده کنند شاهد تسریع در رسیدن اهداف و طی کردن مراحل دیگر تا رسیدن به تمدن اسلامی خواهیم بود. ان شاء الله

بلکه این فکر مردم است که تعیین کننده می شود. و البته این نقش تعیین کننده افکار را دشمن ما سالهاست که فهمیده و برای آن کار کرده و می کند.

غیر از مردم سالاری از اهداف انقلاب می توان به استقلال طلبی و آزادی افکار و رواج ارزش های دینی و عدالت و ... اشاره کرد در طول عمر انقلاب به خیلی از آنها دست پیدا کردیم و البته قله این اهداف بسیار بلند است و مسیر طولانی.

جاماندگی ها

امروز به وضوح می بینیم که عملکرد برخی مسئولین به هیچ وجه مطابق بر آرمان ها و اهداف انقلاب نیست. در زمینه اشرافیت و فاصله طبقاتی و عدالت اجتماعی متأسفانه وضعیت خوبی نداریم. بعضی از مسئولین رسماً عملکردشان به نفع سرمایه داری شده و اصلاً به فکر طبقات محروم جامعه و عموم مردم نیستند. و شعار های اصیل انقلاب فقط لقله زبانشان شده یا بعضاً در زبان هم آنها را به گونه دیگر تفسیر می کنند. و البته در این فضا باید رفتار و اقبال مردم به این طیف از مسئولین را هم در نظر گرفت.

اما علت عدم دستیابی انقلاب به بعضی از آرمان هایش چیست؟ دلایل گوناگون است که ما به ۳ دلیل اشاره می کنیم:

۱- زمان بر بودن رسیدن به اهداف بلند: انقلاب اسلامی یک انقلاب ائتلولوژیک بود که در تمام ابعاد خواستار تغییر و درگرگونی است. این تغییر یک امر تدریجی است که با تلاش و مجاهدت بسیار صورت میگیرد

۲- فشار های خارجی: درست است که ریشه خیلی از مشکلات و کمبود ها در داخل است اما نمی توان نادیده گرفتن که رسیدن انقلاب به اهداف متعالیش منافع مستکبران دنیا را نابود خواهد کرد پس طبعاً غیر منطقیست که فکر کنیم آنها تلاشی برای جلوگیری از این کار نخواهند کرد از جنگ و ترور گرفته تا تحریم و نفوذ.

انقلاب برای مردم و حکومت مهم بوده که چه کسی و چه تفکری می تواند عموم مردم را جذب کند. درست است که همه کاندیدا ها حرف مشترکشان خدمت به مردم و ساختن کشور بوده اما به وضوح می توان تفاوت های برنامه ها و نوع دیدگاه آن ها به مسائل را دید که خب در هر مقطعی متفاوت بوده و هر بار مردم به یک نوع از دیدگاه اعتماد کردند و نفع و ضرر انتخاب خود را لمس کرده اند. هر منصفی با نگاهی به تاریخ جمهوری اسلامی درمیابد که شاید سیاست های بسیار کلی فقط تغییر نکرده باشد اما سیاست های اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی به هیچ عنوان در یک جهت و در ادامه هم نبوده. کاری به خوب یا بد بودن این موضوع نداریم اما همین مشخص می کند که سیاست ها و برنامه ها و نوع دیدگاه حاکمان و مسئولان به واسطه نوع دیدگاه مردم تغییر کرده است و همین تغییر کردن ها یعنی تحقق یکی از اهداف اصلی انقلاب. در حکومت استبدادی که مبنا نظر یک شخص است که این تغییرات اگر هم باشد منطبق بر دیدگاه مردم نیست. این حس مردم سالاری در جمهوری اسلامی یکی از اهدافی بود که تا حدود خوبی محقق شده. البته در این موضوع نباید یک طرفه نگاه کرد. هم سیاست های حاکمانی که مردم انتخاب کرده بودند موجب تغییر افکار مردم شد و هم این تغییر سلاقی و افکار موجب پدیده آمدن حاکمانی متناسب با آن شد و این خاصیت جمهوری اسلامی است و نقش مردم و حکومت و جایگاه های آن را نشان میدهد. به این معنا از فلسفه انقلاب اسلامی هیچگاه مردم نباید کنار بروند و دست از تلاش خود برای تحقق آرمان ها و اهداف بردارند. در همان مقاطع ابتدایی پیروزی انقلاب نیز امام خمینی تاکید می کرد که نابودی پهلوی اتمام کار نیست و مردم باز هم باید برای رسیدن به اهداف همراه باشند و تلاش کنند. جمهوری اسلامی یک بستر برای رسیدن به اهداف است اما با این تعریف از جمهوری اسلامی رسیدن به اهداف فقط بر دوش حاکمیت نیست



مسلمانی به کدام اسلام؟

نوشتاری بر جریان های مختلف که خود را به عنوان یک الگو برای حکومت اسلامی معرفی می کنند

امین شبان

۵ دقیقه

۹۷ م. شیمی



نیز سابقه گذشته آنان در برخورد نامناسب با دیگر مسلمان ها می توان نتیجه گرفت حکومت اسلامی در این ایدئولوژی عملا یک شعار است که برای پیش برد اهداف استفاده می شود.

پس از فروپاشی عثمانی، آتاترک در ترکیه طی یک سری اصلاحات به تقویت روحیه ملی گرایی و اسلام زدایی پرداخت و مسیر حرکت به سمت ارزش ها و فرهنگ غربی را در پیش گرفت. این رویه ادامه داشت تا این که پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، بهره برداری از ترکیب مدرنیسم و سنت، سکولاریسم و اسلام گرایی و هویت دوگانه شرقی-غربی مورد توجه قرار گرفت. به گونه ای که مردم مسلمان ترکیه از همان میزان آزادی جوامع غربی برخوردار شدند. همچنین ایدئولوژی اسلام میانه رو بر اساس منفعت طلبی حرکت می کند. یعنی مقابله آن با استکبار در گرو این است که به نفع یا به ضرر آن باشد؛ وگرنه استکبارستیزی جزو اصول این ساختار نیست. البته می توان اثرات اندیشه اخوان المسلمین که یک جنبش فراملی اسلامگرا است را در این ایدئولوژی یافت. ترکیه، قطر و اخیرا پاکستان در این دسته قرار می گیرند.

در دهه های اخیر، پس از روی کار آمدن ماهاتیر محمد که روحیات اسلامگرایانه ی بسیار قوی داشت و نیز مسئولان بعد او، حرکت به سمت یک جامعه و تمدن اسلامی در مالزی با جدیت پیگیری می شود که به خوبی توسعه یافته است. اسلام حضار که بر پایه اصول دهگانه ایمان به خدا و رعایت تقوای الهی، حکومت عادل و امین، مردم آزاد و مستقل، تحقیق مجدانه و تسلط بر علوم، توسعه اقتصادی متعادل و فراگیر، کیفیت مناسب زندگی، حفظ حقوق اقلیت ها و زنان، یکپارچگی فرهنگی و اخلاقی، حفاظت از منابع طبیعی و

یک حکومت، وجود «ایدئولوژی» است. تمام جریان های یاد شده دارای ایدئولوژی مشترک اسلامی هستند، اما برداشت های متفاوتی از اسلام دارند. تاثیرات ایدئولوژی جاری در ایران را که پس از انقلاب ۱۳۵۷ شکل گرفت و بر پایه گفتمان امام خمینی (ره) و دارای مفاهیم استکبارستیزی و استضعاف زدایی است، کم و بیش می توان در مناسبات سیاسی داخلی و خارجی ایران، جمهوری یمن، حزب الله لبنان، گروه های مقاومت شیعی و نیز شیعیان نیجریه دید. همچنین وجود

جریان ها را بر اساس ایدئولوژی می توان به چهار دسته تقسیم کرد. تمدن نوین اسلامی در ایران که توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است، شکل گیری جریان «نوعثمانی» در ترکیه، «اسلام وهابی» در عربستان سعودی و «اسلام حضاری» در مالزی.

ولی فقیه در ایران از دیگر پایه های ایدئولوژی تمدن نوین اسلامی است که باعث ایجاد تمایزهای معناداری با دیگر جریان ها می شود. در جزیره العرب ترکیب پان عربیسم، نظام سلطنتی، طایفه گرایی و نفت حالت محافظه کارانه ای از اسلام را پدید آورده است. این جریان که به شدت تحت نفوذ اندیشه های مخالف با اسلام اصیل و حتی برخی اندیشه های غربی است در شمال آفریقا نیز طرفدارانی دارد. با اتفاقات اخیر و عادی سازی روابط این دست کشورها با رژیم صهیونیستی و

زمان زیادی از عادی سازی روابط برخی از کشورهای اسلامی با رژیم صهیونیستی نگذشته بود که شنبه هفدهم آبان ماه، رئیس دولت امارات متحده عربی دست به ایجاد تغییراتی در قوانین اسلامی این کشور زد. این تغییرات شامل برچیده شدن جریمه و مجازات برای شرب خمر، آزادی زنان و مردان نامحرم در آغاز زندگی مشترک و لغو قوانین حامی قتل های ناموسی بود. این اتفاق محل بحث برای بررسی ویژگی های یک حکومت اسلامی و جریان های دنبال کننده آن شده است.

جریان ها و کشورهای اسلامی

گسترده گی سرزمین های اسلامی و جمعیت روزافزون مسلمانان باعث شده است که جریان های مختلفی تلاش کنند تا نظریه های خود را در زمینه تمدن اسلامی ارائه دهند و خود را به عنوان یک الگوی نمونه از حکومت اسلامی معرفی کنند. این جریان ها را بر اساس ایدئولوژی می توان به چهار دسته تقسیم کرد که «تمدن نوین اسلامی» در ایران که توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است، شکل گیری جریان «نوعثمانی» در ترکیه، «اسلام وهابی» در عربستان سعودی و «اسلام حضاری» در مالزی. جریان های ذکر شده را می توان در مولفه های مختلفی نظیر ایدئولوژی، ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و روابط بین الملل با یک دیگر مقایسه کرد. در این مجال به طور مختصر به بررسی مولفه های برداشت از اسلام، سیاست داخلی و روابط بین الملل می پردازیم. از اصلی ترین و نخستین پایه های شکل گیری





محیط زیست و قابلیت دفاعی مستحکم استوار است، در تلاش است تا یک جامعه پیشرفته میان مسلمانان و غیرمسلمانان ایجاد کند. اصلی‌ترین تلاش مالزی در این راستا ایجاد یک اتحاد مستحکم بین عموم مسلمانان است که همواره در اجلاس‌ها و همایش‌های مختلف این اهم را دنبال می‌کنند. از نمونه تلاش‌های مالزی در این راستا را می‌توان در اجلاس سران کشورهای اسلامی ۲۰۱۹ کوالالمپور دید.

ساختارهای سیاسی داخلی و خارجی

اسلام یک دین جامع است، یعنی یک جامعه برای این که اسلامی باشد باید آموزه‌های اسلامی در تمام ارکان و لایه‌های آن جامعه دیده شود. از مهم‌ترین این موضوعات می‌توان به سیاست داخلی و خارجی اشاره کرد. سیاست داخلی که رابطه یک حکومت اسلامی با مردم را نشان می‌دهد باید بر پایه اصولی همچون عدالت، ترویج آموزه‌های اسلامی، تامین رفاه و امنیت مردم و موارد دیگر استوار باشد. از آن سو اسلام برای روابط مسلمانان با دیگر ملت‌ها و در برابر ظالمین نیز احکامی تعیین کرده است. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ در تعارض با

در بسیاری از مولفه‌ها می‌توان شاخص‌های مشترکی بین حکومت اسلام و دیگر حکومت‌ها یافت، اما آنچه که امروزه جهان اسلام را به طور دقیق و کامل از خارج آن متمایز می‌کند، دشمنی با اسرائیل است.

می‌شوند. در جنگ جهانی اول اکثریت عرب‌ها خواستار تشکیل یک حکومت واحد به محوریت حجاز بودند. اما انگلیس و فرانسه در پشت‌پرده و با انعقاد قرارداد سایکس-پیکو، باعث تشکیل کشورهای مختلف عربی شدند که آتش تبعات آن تا به امروز منطقه را درگیر کرده است. حکام این دست کشورها همواره در درجات مختلف، قانون طلایی ارتباط حداکثری با آمریکا به عنوان مسیر توسعه را دنبال کردند. تا چند سال اخیر، علی‌رغم وجود ارتباطات با رژیم اشغالگر قدس، به دلیل اهمیت مسئله قدس برای مسلمانان و این که عربستان خواستار رهبری جهان اسلام بود آنان این روابط را مخفی نگاه می‌داشتند. رابطه نزدیک با غرب و حتی رژیم صهیونیستی نه تنها با آموزه‌های اصیل اسلام، که حتی با هویت عربی خود این کشورها در تعارض است.

توسعه از دهه ۱۹۹۰ با روی کار آمدن کسانی چون نجم‌الدین اربکان، عبدالله گل و رجب طیب اردوغان سیاست خارجی این کشور تغییر کرد و از بعد ملی‌گرایانه وارد بعد اسلام‌گرایی شد. به دلیل رقابت ترکیه و عربستان برای رهبری جهان اسلام، حکومت ترکیه در سال‌های اخیر حداقل در ظاهر سعی داشته خود را دشمن صهیونیست‌ها نشان بدهد.

مالزی دارای نظام «سلطنتی مشروطه» است که با الهام از سیستم حکومت پارلمانی انگلیس پایه‌گذاری و در بدنه حکومتی آن نیز از سیستم‌های فدرال استفاده شده است. پادشاه در رأس حکومت قرار دارد و دارای اختیارات و وظایف تشریفاتی است. قدرت اجرایی در اختیار نخست وزیر است. دین رسمی مالزی اسلام است و حدود ۶۳ درصد جمعیت آن مسلمان هستند. علی‌رغم وجود قانون آزادی مذهب، اما اکثر قوانین داخلی بر پایه احکام اسلامی هستند. مالزی جزو کشورهایی است که اسرائیل را به رسمیت نشناخته و بر این امر تاکید دارد. اما به دلیل اقتصاد پویا و گسترده، روابط خوبی با اکثر کشورها دارد و عموماً سعی می‌کند تا اهداف خود را در قالب فضای بین الملل و توسط نهادهای بین المللی پیش ببرد.

نظام بین الملل رخ داد و ارزش‌ها و هنجارهایی را مطرح کرد که با ساختارهای موجود در تعارض بود. علی‌رغم تغییرات ساختار نظام سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی، هنوز اثرات سیستم‌هایی که بر پایه قوانین اساسی برخی کشورهای غربی استوار شده بودند بر ساختار حکومت ایران باقیست. نظام سیاسی ایران از سه قوه مجریه، مقننه و قضاییه که زیر نظر رهبری فعالیت می‌کنند تشکیل شده است. در روابط خارجی، پس از انقلاب، ایران بر پایه شعار نه شرقی نه غربی کم و بیش سیاست‌های حمایت از مستضعفین و مقابله با استکبار را در پیش گرفته است. از سویی دیگر ایران هدف تشکیل یک جامعه اسلامی را با عنوان صدور انقلاب در بهار عربی نیز تا حدودی پیش برده است. ولی همچنان کارهای نیمه تمام بسیاری وجود دارد.

ترکیه دارای یک نظام «جمهوری دموکراسی پارلمانی» است. برخلاف انقلاب اسلامی ایران که با برخی تغییرات ساختاری همراه بود، حرکت ترکیه به سمت اسلام‌گرایی در قالب روی کار آمدن یک حزب اسلام‌گرا و بدون هیچ تغییری در قانون اساسی بود. به گونه‌ای که هم‌اکنون نظام ترکیه متعهد به اصول لائیک با به عبارتی سکولاریسم است. رئیس‌جمهور این کشور حق ندارد از اصول نظام لائیک تخطی کند و در صورت جهت‌گیری مذهبی در تصمیمات سیاسی، اصول سیاسی نظام ترکیه را نقض کرده است. با این حال با توجه به رقابت جریان اسلام‌گرای اخوانی با حکومت‌های عربی برای به دست گرفتن رهبری جهان اسلام، سیاست‌های خارجی این کشور دگرگونی‌های زیادی داشته است. پس از روی کار آمدن جمهوری ترکیه، تا دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، سیاست ترکیه در قالب سکولاریسم و توجه به ملی‌گرایی پیش می‌رفت و هر دولتی که به سمت مناسبات مذهبی حرکت می‌کرد با کودتا برکنار می‌شد. اما با قدرت گرفتن اسلام‌گرایان و حزب عدالت

ساختار حکومتی شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و عربستان سعودی، سلطنت مطلقه مبتنی بر شریعت اسلامی است. پادشاه کشور در رأس حکومت و فرماندهی نیروهای نظامی قرار دارد و وزارتخانه‌ها مستقیماً توسط خاندان سلطنت اداره

تمنای محرم در باکتیمور

گفتگو با محمدرضا جبه‌داری، دانشجوی مورگان استیت امریکا

مهمان دوم «بدون مرز با حسین(ع)» محمدرضا جبه‌داری است. دانشگاه تهران لیسانس صنایع را گرفته و به همراه همسرش که دانشجوی محیط زیست شهیدبهرشتی بوده، عازم امریکا شده است و می‌گوید اگر خواستید تا آمریکا بروید برای تحصیل، حتماً مزدوج بروید. یک ماه اول را در دانشگاه اوهایو بودند ولی غربت شدیدش باعث شد یک ماه بعد بروند مریلند. می‌گوید جو مذهبی شهرها باهم فرق می‌کند و این معیار بسیار مهمی است که قبل از اپلای از آن غافل بوده است. حالا بعد از شش سال دارد روی پایان‌نامه دکترای صنایع و سیستم کاری‌کند و پای کار آمده تا از تجربیاتش، حال و هوای هیأت‌ها و زندگی شیعیان در امریکا برایمان بگوید.

در دل مردم می‌اندازند یا بعضی از دوستان که می‌آمدند، مثلاً کربلا رفته‌اند و این‌جا آمده‌اند و کمی در فرودگاه اذیت‌شان کرده‌اند و... این چیزها خیلی طبیعی است، یعنی این‌هایی که مثلاً دور هم هستند، اصلاً یک کمیته‌ای را شروع کرده‌اند، این‌ها برای امام جماعت‌ها و وکیل می‌گیرند! که آره، این امام جماعت‌ها یک مقداری دارند این‌ها هم اذیت می‌کنند، می‌آیند آن وکیل‌ها را به جان این‌ها می‌اندازند که از طریق قانونی جلوی‌شان را بگیرند؛ چون ماها قانون را نمی‌دانیم و می‌شود خیلی جلوی‌شان را گرفت. من دارم سرپسته عرض می‌کنم خلاصه این‌ها یک چیز روتینی هست این‌جا.

آن مسجدی که من گفتم اجتماع شیعیان، حالا ممکن است یک مقداری هم بعضی‌ها بگویند دارد زیاده‌روی می‌کند ولی به نظرم آن حس، من وقتی اولین بار رفتم آن مسجد ICE احساس کردم مسجد محل خودمان رفتم. یک حس بسیار عالی آرامش بخشی بهم دست داد که بگم تا مدت‌ها ما هر هفته یک‌بار مسجد می‌رفتیم، یعنی واقعا اینی که گفتم: باید یک جایی باشد شما خودت را به شارژ بزنی، حسی که من واقعا داشتم، محرم که اصلش بود، ما هر سال می‌رفتیم، بچه‌ها بودند، ما

حیات کمی بیشتر از این فشار بگویید. آیا مثلاً در آنجا که ادعاهای مختلفی از آزادی و غیره و این‌ها دارند، فشار خاصی یا تهدید خاصی برای مسلمان‌ها دارد؟

عرضم به خدمت شما که این آزادی بیان و این‌ها که سوسول‌بازی است! اصلاً این‌جا واقعا به آن معنا نیست. نه! یعنی حقیقتش را بخواهید، اینجا بچه‌ها حتی در GPS شان خیلی‌ها آدرس مسجد را نمی‌زنند بیایند. مسجد ما هم دوربین مداربسته دارد و برای عزیزان پخش مستقیم دارد، یعنی دقیق رصد می‌شوند! به خاطر همین خیلی‌ها نمی‌آیند، تعارف هم نمی‌کنند، اصلاً چند تا از بچه‌های مذهبی هم به خود من گفتند: ما آن‌جا نمی‌آییم. می‌ترسیم برای بحث گرین کارت‌مان مشکلی پیش بیاید و به ایران هم نمی‌گویند. یک مقدارش هم خب ترس بی‌ربطی است، ولی خب یک چیزهایی دیده‌اند، یعنی آره یک سری مسائل هست، برخوردهای بدی می‌شود. این‌ها خب بر اساس قوانین اگر بخواهند کسی را اذیت کنند، می‌توانند! بالاخره یک چیزی می‌توانند گیر بیاورند، چند وقت پیش دو نفر را گرفتند سر بحث خمس و این چیزها و چیزهای خیلی معمولی شاید باشد، یعنی این ترس را

حیات شما از ابتدا واشنگتن بودید؟

ما ۶ سال هست که الان آمریکا هستیم. سپتامبر ۲۰۱۴ که رسیدیم، یک ماه بعدش محرم بود. حالا حساب کنید ما در ایران، در دهه محرم دیگر حداقل روزی ۳ هیئت می‌رفتیم! خب بالاخره از بچگی در این سیستم بزرگ شده‌بودیم و عشق ما بود و هیئت. بعد رسیدیم اوهایو. نگاه می‌کنیم هیچ چیزی نیست! حالا چند تا ایرانی داشت. گفتیم خدایا چه کار کنیم. اولین استارت شروع کردیم آنجا با همین سایت‌هایی که پخش آنلاین داشتند، تازه شروع کرده‌بودند. دیگر آن سال خیلی سخت گذشت و ما مثلاً خانه خودمان یک برنامه گرفتیم، یادم نمی‌رود. ما دعوت کردیم ایرانی‌های آنجا را. از تقریباً بیست‌خورده‌ای نفر، یک نفر آمد که آن هم خانمش آمریکایی بود.

یک ترم ما آنجا بودیم و آمدیم دانشگاه مریلند و لطف خدا بود واقعا. اولاً که قدر مسجد و این‌ها را دانستیم. یعنی وقتی که ما آمدیم مریلند، یادم نمی‌رود. فاطمیه بود. ما رفتیم مجلس فاطمیه و این‌جا یک مسجد شیعیان پاکستان دارد به نام اداره جعفریه. خیلی آن‌ها با صفا هستند. رفتیم آنجا و اولین بار روزه انگلیسی! آخر روزه انگلیسی آن‌جوری به دل ما نمی‌نشیند. هر کاری هم می‌کنی روزه باید فارسی باشد. یعنی آن‌هایی که ۴۰ سال هست این‌جا هستند هم همین‌طورند. با این حال اولین بار بود در عمرمان روزه انگلیسی می‌شنیدیم و در مجلس آن‌ها. بعدش رفتیم مسجد خودمان، مسجد ایرانی‌ها. ICE. مرکز تعلیمات اسلامی. خب بزرگترین مرکز شیعیان شرق آمریکاست. خیلی بزرگ است و مثلاً عاشورا ما پارسال ۲۵۰۰ تا غذا دادیم. یک هم‌چین جمعیتی می‌آید آنجا. خلاصه این جوی که این‌جا بود، خیلی متفاوت بود. این‌جا در نزدیکی ما، ۹ تا مسجد شیعیان هست. دیگر دست ما باز شد، می‌توانیم انتخاب کنیم.

من به بقیه دوستانمان هم هرکس بود، گفتم که اگر می‌خواهی [اپلای کنی]، اول ببین شهرتان جای مسجدش، مرکز مسلمان‌هایش، چطور است. چون واقعا فشاری که به ما می‌آید، در جو زندگی این‌جا فقط با مسجد می‌شود کنترلش کرد.





هر سال ۲ ماه، ۳ ماه قبل محرم، شروع می‌کردیم شعرها مان را آماده می‌کردیم، بعد مداح‌های ما که مداح نبودند، این‌جا مداح شدند! دو سه ماه مانده به محرم، همه‌ی این کارها را منظم تا آخر، اکسل داشتیم که همه‌ی شب‌ها مشخص بود... خوب امسال نشد، امسال این توفیق را نداشتیم.

حیات امسال در ایران مراسم‌ها با یک‌سری پروتکل‌های بهداشتی و فاصله‌گذاری، ماسک و همه‌ی تجهیزات به لطف خدا قطع نشد. همین هیئت خودمان این طور بود، شما چطور؟

حقیقتش بیشتر دلیل عدم برگزاری، حس مسئولیت بود. توی اداره جعفریه یک یا دو هفته قبل از محرم، یک بنده‌خدایی گویا مریض شده بود و چند نفر، فکر کنم ۲۰ نفر کرونا گرفته بودند، یک بنده‌خدایی هم از بین رفت، به خاطر همین، همه‌ی مسجد‌های این‌جا ترسیدند، ما برنامه گروه کوچک خودمان را، همان که خدمتتان عرض کردم، آماده می‌کردیم، ۵، ۶ نفر دور هم جمع شدیم، تقریباً یک ۷، ۸ شبی دور هم جمع شدیم، و در مغازه فرش‌فروشی یک از دوستان عزاداری کردیم، آنجا جمع شدیم و خیلی کوتاه، کوچک شد در حد جلسه خانگی، مسجد خودمان هم دو تا بعداز ظهر در پارکینگ برنامه گرفتیم و سینه‌زنی داشتیم.

حیات من خیلی دوست دارم جزئیات را بگوئید. مداح از کجا یاد می‌گیرد؟ سخنرانی را چه می‌کنید؟ مخاطب چند نفر است؟

عرض کردم اینجا بزرگ‌ترین مسجد شرق آمریکاست. یعنی این میزان شیعه‌ی ایرانی هیچ‌جا نیست. اینجا ما روحانی خیلی داریم، اتفاقاً یکی از روحانی‌های اینجا حوزه علمیه تاسیس کردند. و بحث‌های اسلام و ستیز را در دانشگاه واشنگتن شروع به تدریس کردند. یعنی الان یک کرسی و هم حوزه باز شده. جالبش اینجاست که اینجا هر کسی روحانی شیعه است، فارسی حرف می‌زند. چون یک دور رفتند ایران و دوره دیدند. سخنرانی ما اما یکی دیگر هست، یک حاج آقای هست ایشان، روضه را ایشان می‌خواند، دقیقاً مثل سبک مسجد‌های ایران است ایشان. از همان قدیمی‌ها! ایشان در دفتر حافظ منافع ایران کار می‌کند. ایشان روضه می‌خواند و بقیه بچه‌ها بیشتر بحث مداحی را دارند.

قبلاً این‌جا هر سال هم مداح می‌آوردند هم سخنران، دعوت می‌کردند. خیلی هم راحت بود. اتفاقاً مداح‌های خیلی معروفی آمده بودند، از چهار سال پیش، یک دفعه شروع کردند به مداح‌ها ویزا ندادن! یک دفعه حساب کنید دو ماه مانده بود به محرم، به مداح‌مان ویزا ندادند. آمدند مسجد به ما گفتند که ببینید برنامه امسال را خودتان باید جمع کنید. مداح نداریم، هرکاری

می‌بینید؟

حقیقتش را بخواهید بخشی از محرم نوستالژی است یعنی آن حس قدیمی که داری که همه سیاه پوشیده‌اند و پرچم نصب کرده‌اند. اینجا کسی بخاطر ترس پرچم نصب نمی‌کند مگر عده‌ای از افراد که بهشان می‌گویند «تندرو!» آن فضای هیئت که همه با هم ذکری را تکرار می‌کنند ولی اینجا اینگونه نیست حتی بعضا ذکر را بلد نیستند که بگویند. دلم برای آن جوی که در هیئت خودمان داشتیم تنگ شده‌است. هر هیئتی در ایران یک چیزی دارد. هیئت حاج محمود یک چیزی دارد. مثلاً هیئت‌های محلی یک چیز دیگر دارند. ما مثلاً آخر شب وقتی که می‌دیدیم هنوز درست سینه نزدیم می‌رفتیم یک هیئتی بود چهارراه شهدا، هیئت یا زینب(س)، آن‌جا سینه می‌زدیم مثلاً. خوب این‌ها هرکدامش یک کارکردی داشت برای ما داشت. این‌جا همه‌اش همین یکی است. و من واقعا بعضی وقت‌ها احساس می‌کنم کم بود. یعنی چون خوب مجبوریم خیلی منظم بر اساس ساعت کار کنیم. مثلاً کل برنامه ما باید ۳۵ تا ۴۰ دقیقه تمام بشود. برای ما خوب واقعا کم است. ما بیشتر دوست داریم باشد. ولی، واقعا آن جوی که در ایران همه‌جا سیاه‌پوش می‌شد و حس می‌کردیم محرم، بوی محرم از کوچه‌ها می‌آمد. آن‌ها، آن حس را من خیلی دوست داشتم و آن نوع جو هیئت‌های ایران، همه در هیئت بودند، همه هیئتی بزرگ شدند.

این‌جا خیلی‌ها را ما داریم آشنا می‌کنیم با هیئت، و آن جووری نبودند و این‌ها همین کل دین‌داری‌شان ده شب محرم است.

من خیلی صحبت کردم، ببخشید دیگر وقت‌تان را هم گرفتم.

حیات نه ما که کیف کردیم! واقعا می‌گویم. سلامت باشید

می‌کنید بکنید! بچه‌ها آن موقع شروع کردند هرکسی هرچیزی داشت رو کرد. دیگر شروع کردند، خیلی تمرین کردند و واقعا واقعا الان به حدی رسیدند، شما الان، حالا، می‌توانید بروید در یوتیوب بزنید اگر دوستان علاقه‌مندند بزنید: Islamic Education Center مرکز تعلیمات اسلامی. فیلم تقریباً هر شب محرم را دارد.

حیات مخاطبین هیئت چقدرند؟ مثلاً شرکت‌کننده‌ها حدوداً؟

ما تقریباً، حالا پارسال را مثلاً مثال بزنم برایتان، شب‌های آخر هفته جمعیتمان می‌رفت بالا. برای شب‌های معمولی تقریباً سیصد. چهارصد تا حداقل غذا می‌دادیم، بعد آخر هفته‌ها می‌رسید به هفتصدتا. ششصدتا هفتصدتا، بعد دوباره می‌گویم تاسوعا و عاشورا که دیگر اوج می‌گرفت، تقریباً تاسوعا، عاشورا دوهزار تا دوهزار و پانصد تا غذا هم می‌دادیم. جمعیت زیاد می‌شد.

حیات خدا قوت بدهد به شما. پس هیئت عملاً هیئت مثل ایران است. همین بحث‌های مالی را چه می‌کنید؟

دولت که نه کمک می‌کند و نه اجازه می‌دهد از جاهای دیگر کمک بگیریم! معمولاً مساجد با خمس می‌چرخد و کمک‌های مردم. مساجد با این دوتا می‌چرخد یعنی همه‌اش را مردم کمک می‌کنند.

حیات اجازه هم نمی‌دهند مثلاً ایران یا کشورهای دیگر کمک کنند؟

ICE یک پرونده دارد، پرونده خیلی سنگینی هم دارد که یعنی دو سه بار داشتن می‌بستن ICE را، داشتن می‌گرفتند. کلی وکیل گرفتند و چه کارهایی کردند و علت آن هم این بوده است که گفته شده شما از ایران پول می‌گیرید و خیلی تلاش کردند که به اصطلاح این را پلمپ نکنند.

حیات برای چه چیزی از هیئات در ایران دلتان تنگ شده‌است؟ چه چیزی در مساجد و هیئات، در جمع‌های خودمان می‌دیدید ایران بود که آنجا نیست؟ جای چه چیزی را خالی

کارزار حکومت

یادداشت‌های بخش ستون به اختیار صرفاً به جهت بازتاب نظر مخاطبین عزیز حیات بوده و انتشار آن‌ها به معنی تایید محتوای آنان از جانب نشریه نیست. سرویس «ستون به اختیار» حیات، به منزله یک «تریبون آزاد» است؛ از افراد می‌خواهیم تا نظر خودشان را جع به موضوع را اعلام کنند و به بیان استدلال‌ها و ملاحظات خود بپردازند. موضوع شماره ۴۹ حیات را «حکومت اسلامی» انتخاب کردیم؛ شما را دعوت کردیم تا نظراتان را در این رابطه بگویید. آقای بالغی و آقای ستوده دعوت ما را اجابت کردند که در ادامه نظرشان را می‌خوانیم.

امیرحسین ستوده



۹۷ مهندسی دریا ۵ دقیقه

بازوان مقطوع

+ از وقتی که دین رو وارد حکومت‌داری کردن اینطور شد. اصلاً اسلام رو چه به سیاست! والا من شاهدی که قبل انقلاب مردم دین‌دارتر بودن؛ اون سر می‌رفتن کاباره و این سر می‌رفتن مسجد. عیسی به دین خود، موسی به دین خود!...

شاید پر تکرارترین دیالوگ این سال‌های اخیر باشد. به خصوص زمانی که تلاقی بی‌کفایتی مسئولین و فشار همه‌جانبه کفار، عرصه را بر مردم روزبه‌روز تنگ‌تر کرده است و معیشتشان تهدید شده است؛ البته که «تا مردم زنده باشند، او را از قوت چاره نیست»^۱. در این میان هم گاهی انگشت اتهام را به سمت اصول و نظام جمهوری اسلامی و حتی اسلام می‌برند و معتقدند که تا این دو در کشور حاکمند، وضع همین است و خواستار جدایی دین از سیاست و حکومت هستند.

آیا به راستی اسلام بدون بازوی حاکمیتی و اجراکننده احکام، ماهیتی حقیقی دارد؟

از نظر افلاطون، ارتقای به سطح والای زندگی فرد، بدون دولت امکان‌پذیر نیست؛ حال می‌دانیم که ارتقا به سطوح والای دنیوی و اخروی خارج از دایره اسلام، خیال‌پردازی بیش نیست.

حال با کمی تحقیق و تدبیر در آیات و روایات می‌توان به‌سادگی به جواب رسید اما «متاعی پرسودتر از قرآن یافت نمی‌شود، آنگاه که آن را تحریف کنند و معانی دلخواه خود را رواج دهند»^۲.

اسلامی که کاری به کار ظالمان ندارد، در کنجی سکنی گزیده و همه را به لبخند و صلح دعوت می‌کند، گاهی هم به صداقت و کردارهای نیک سفارش، اسلامی است باب میل مستکبرین و ظالمان؛ اسلام امریکایی! اسلامی که مسلمانانش کفار را همدم می‌گیرند و چشم بر دست تمنای دیگر برادران و خواهرانشان که زیر چکمه دشمنان‌اند، می‌بندند و گوش را بر صدای شکستن استخوان‌های مظلومین، می‌پوشانند.

اسلام، نه دین جنگ‌طلب است نه صلح‌طلب، بلکه ظلم‌ستیز است؛ و چگونه چنین امری شدنی است بدون بازوان اجرایی؟!^۳

«بر تو واجب است که سرگذشت و رفتار زمامدارانی را که پیش از تو از این خاکدان گذشته‌اند به یاد بیاوری، زمامدارانی که «حکومت دادگرانه» گسترده و به «سنت فاضله» عمل نمودند و از آثار پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) «تبعیت» نمودند و «واجبات» وارده در کتاب الهی را پیروی کردند، پس تبعیت کن از آن اعمالی که ما انجام دادیم و تو خود آن را مشاهده کردی و تلاش کن در پیروی از این عهدنامه که برای تو نوشتیم»^۳

۱. عمرو بن لیث

۲. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۷

۳. نهج‌البلاغه، نامه ۵۳

بهزاد بالغی



۹۵ دکتری هوافضا ۵ دقیقه

حکومت تراز

می‌گوید هدف اول ما این است: «لِنُزِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ» سید جمال می‌گفت بازگشت به اسلام راستین؛ که ما می‌خواهیم این نشانه‌ها را که به زمین افتاده و رهروان راه را پیدا نمی‌کنند، اسلام فراموش شده را، بازگردانیم.

«وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ»؛ خیلی جمله عجیبی است، «نُظْهِرَ» یعنی آشکار کنیم؛ اصلاح نمایان و چشم‌گیر، اصلاحی که روشن باشد در شهرهایت به عمل آوریم. آن قدر این اصلاح اساسی باشد که تشخیص آن احتیاج به فکر و مطالعه نداشته باشد، علائمش از در و دیوار پیداست؛ به عبارت دیگر سامان به زندگی مخلوقات تو دادن، شکم‌ها را سیر کردن، تن‌ها را پوشانیدن، بیماری‌ها را معالجه کردن، جهل‌ها را از میان بردن، اقدام برای بهبود زندگی مادی مردم، زندگی مادی مردم را سامان دادن؛ «وَ اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا»، و انسان‌ها را اصلاح کنی و شهرها را عمران نمایی.

«فَيَأْمَنُ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ»، تو باید به گونه‌ای حکومت کنی که مردم تو را به معنی واقعی تامین‌کننده امنیت‌شان و نگهدار هستی و مال‌شان و دوست عزیز خودشان بدانند، نه یک موجودی که خودش را به صورت ابوالهول درآورده و همیشه می‌خواهد مردم را از خودش بترساند و با عامل ترس می‌خواهد حکومت کند. فرمود هرگز امت و جامعه‌ای به مقامی قابل تمجید نمی‌رسد مگر آن وقت که وضع به این منوال باشد که ضعیف حقش را از قوی بدون لکنت کلمه بگیرد، وقتی ضعیف در مقابل قوی می‌ایستد، لکنتی در بیان‌ش وجود نداشته باشد. «وَ تَقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ»، اعم از آن که قانون الهی به‌طور کامل تعطیل شده باشد و یا به صورت تبعیض درآمده باشد که قانون قدرت‌ش برای به تله انداختن قوی، ضعیف باشد و برای گرفتار کردن ضعیف، قوی.

«وَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَكَانَ يَهْ مَلُومًا بَلْ كَانَ يَه عِنْدِي جَدِيرًا»، که چرا از دست یا پای زن غیرمسلمان که در ذمه اسلام است، به زور دست‌بند یا خلخالش را بیرون کردند؛ وقتی امنیت این‌قدر نباشد که یک زن غیرمسلمان که در ذمه اسلام است، ایمنی داشته باشد و بیایند زینتش را از تنش به زور بکشند و ببرند و آب از آب تکان نخورد، در چنین شرایطی اگر انسان مسلمان بمیرد، مورد ملامت نیست و بلکه شایسته است.

آری و این‌گونه تصویر کرده است مولای‌مان علی (ع) حکومت تراز را، که


باشد سنج‌های برای سنجیدن و معیاری برای تشخیص سره از ناسره.

برگرفته از کتاب «آینده انقلاب اسلامی ایران» - شهید مطهری (با تلخیص)



خوشا کسی که اگر شاعر است، شاعر توست

نگاهی به چهارمین دوره سوگواره «با کاروان نیزه»

سید پارسا قزوینی 

۹۸ مکانیک ۵ دقیقه

«خوب بود آقا، خیلی خوب بود!» اصلا جانی دوباره گرفتم و به قول یکی از دوستان ارادتم به حاج محمد بزرگر چندین برابر شد. از آثار بگویی. آثار زیادی به دستمان رسید اما پس از داوری اولیه ۲۶ اثر ماند که استاد میرزایی همان طور که وصف شد داوریشان کردند. شعر زیر از ناصر دوستی از بهترین آثار امسال بود:

ماه، پرچم، حرم عشق، عطش، صحرا، مشک
 آسمان، سوز زمین، دست، لب دریا، مشک
 عکس مهتاب در آن همه‌مه در آب افتاد
 آب لرزید دلش، دید که ماهی با مشک ...
 آه ... تصویر لب تشنه‌ی ماه خسته ...
 کرد یک لحظه در آن قاب خودش را جا مشک
 آب شد آب ز شرمش که قمر آب نخورد
 دید با چشم خود این لحظه‌ی زیبا را مشک
 فاتح علقمه زد حرف دلش را با آب
 از تو آبی نخورد این لب من الا مشک
 لحظه‌ای دید که در خیمه خودش می‌دهد آب
 داد زد دخترکی: آمد عمویم با مشک ...
 موج برداشت دلش، جان به تلاطم افتاد
 خیز برداشت رسید علقمه تا مشک (وزن ندارد)
 مشک سیراب شد از آب ولی سقا نه
 داشت حسرت به دلش آه که یک دنیا مشک
 ماه از علقمه بیرون شد و با زمزمه گفت
 کاش سالم برسد بر حرم مولا مشک
 ناگهان زلزله رخ داد عمو شد بی دست
 آه در دست دهان بود در آن غوغا مشک
 چشم آینه ترک خورد و راهش گم شد
 قلبش افتاد که یک دم ز تپش این جا مشک
 خورد تبری به دل بار امانت آن دم
 تا که افتاد در آن مَرکه‌ه آه از پا مشک
 «آسمان بار امانت نتوانست کشید»
 آه ... افتاد به خاک از دهن سقا مشک
 ماه بی دست خدایا چه به روزش آمد
 کسی این لحظه ندانست چه شد، حتی مشک

همان شب و فردایش افراد زیادی به من پیام دادند و از برنامه آن شب تشکر کردند. سخنرانی استاد ولیئی دید خودم را به مقوله شعر و شعر آیینی تغییر داد. پس از آن هم‌زمان که کارهای جلسه سوم و آخر را شروع کردیم بحث‌هایی نیز درباره اختتامیه در جریان بود. جلسه سوم و آخر اما با بقیه جلسات فرق داشت. آن جلسه میزبان دکتر قیدی از دانشگاه خودمان بود و برای بحث شعرخوانی هم رفتیم سراغ یکی از بهترین‌های کشوری، استاد میرزایی. جلسه که تمام شد من دیگر آن آدم سابق نبودم. صحبت‌های دکتر قیدی و شعرخوانی استاد میرزایی به حدی خوب بود که دلم نمی‌خواست آن جلسه تمام شود! اما چه کنیم که هر چیزی پایانی دارد. جلسات تمام شده‌بود و کار اختتامیه به صورت جدی شروع شد. تصمیم گرفتیم برای اختتامیه سنگ تمام بگذاریم. رفتیم سراغ شاعرانی مطرح چون استاد میرزایی، استاد سیار، محمد بزرگر و محسن کاویانی. اتفاقاتی افتاد که باعث شد استرس قبل جلسه به اوج برسد. گوشه‌ی داور برنامه استاد میرزایی دزدیده شد و ایشان به صورت تلفنی داوری آثار را انجام دادند. اما اتفاق بدتر وقتی افتاد که میهمان اولمان به علت مشکل اینترنت نتوانست شرکت کند و ما این را کی فهمیدیم؟ قریب به ۱۰ دقیقه پس از آغاز مراسم! اتفاقات بد زنجیروار پیش می‌رفتند، قطعی اینترنت داور، شعرخوانی از توی ماشین استاد بزرگر، مشکلی که برای مجری پیش آمد، قطعی اینترنت مجری جایگزین همه و همه آب سردی بودند بر پیکر برگزارکنندگان. مدهوش گوشه‌ای نشسته بودم، و متعجب از این که چه شد آن همه برنامه‌ریزی، آن همه هماهنگی و ... به هم ریخت. اما هر چه بود اختتامیه برگزار شد و برندگان هم اعلام شدند. خسته از کارهای اختتامیه، یکی از دوستان برابم توییتی فرستاد از محمد بزرگر. توییتی راجع به جلسه‌ای که داشتیم! قبل از دیدنش گفتم حتما انتقاد است به ناهماهنگی و ... اما چیزی که دیدم باورم نمی‌شد. نوشته بود:

سلام پارسا، خوبی؟ می‌گما می‌تونوی تو به کاری کمک بدی؟! آره چرا که نه!
 همه چیز از همین مکالمه شروع شد. البته برای من، وگرنه کار سوگواره که از قبل شروع شده بود. «آره چرا که نه!» را که گفتم، افتادم دنبال کاری که تا به حال تجربه‌اش را نداشتم. دروغ چرا؟ با فضای شعر آیینی چندان آشنا نبودم. بیگانه هم نبودم. خواندن برقی در صحن گوهرشاد با دوستان همیشه در خاطر من ماند اما تجربه چنین کار بزرگی را اصلا نداشتم، تجربه ارتباط با شعرا و ...
 روزهای اول بزرگ‌ترها دستم را گرفتند و آرام آرام پیش رفتیم. اول که اسم سوگواره را گذاشتیم «با کاروان نیزه»، و بعد هم پوستر و بقیه کارها. در میانه همین صحبت‌ها ایده‌ای بس جذاب مطرح شد. قرار شد سلسله‌جلساتی بگذاریم به نام «در آینه علم و ادب». اسم سلسله‌جلسات قرار بود چیز دیگری باشد که به مدد طراح پوستر عوض شد! گذشت که اتفاق دوم افتاد! مشکلی داشتیم به نام مجری (!) و راه‌حلش چه بود؟ «پارسا می‌تونوی امشب مجری وایسی؟» این شد که پایم به دنیای مجری‌گری هم باز شد. اما از خود جلسه بگویم. حاج‌آقا اسکندری معروف آمدند برای بخش علمش و ادبش ماند برای استاد مودب. اشعاری که خواندند روح منی که از کارها خسته بودم را جلا داد. شعرخوانی حضار هم شیرینی آن شب را دوچندان کرد. گذشت تا رسید به شب دوم. اول جلسه سخنرانی حجت‌الاسلام اصفهانی را داشتیم و پس از آن در خدمت استاد قربان ولیئی و استاد اردستانی بودیم. قبل از مراسم بارها اسم استاد ولیئی را شنیده بودم اما در خود جلسه فهمیدم که چقدر کلمه استاد برازنده ایشان است. سخنان ناب استاد که حاصل تجربه‌شان بود شور و شغف را در همگی برانگیخت.

آزادی تانواب!

که نمی‌دونست راهنمایی‌ش کنم حس خوبی داشتیم.

آزادی تانواب!

میدون آزادی یه موتوری دیدم که خانمش حجابش افتاده بود. نزدیکش شدم به راننده گفتم روسری خانمت افتاده. بعد هم سرعتم رو زیاد کردم و رفتم. پنج دقیقه بعد نزدیک نواب دیدمشون که اون خانم حجابش رو درست کرده بود.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

«إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ» (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۱۹)

همانا امر به معروف و نهی از منکر، راه انبیای الهی و شیوه صالحان است.

حجاب نداره. چون فقط ایشون و راننده توی ماشین بودن، حدس زدم اسنپ و تپسی باشه. سرعتمو زیاد کردم رفتم کنارشون. بوق زدم تا راننده نگاه کرد به سمتم. اشاره کردم که به مسافرش بگه حجابشو درست کنه. بعد هم رد شدم رفتم جلوشون. فکر نمی‌کردم متوجه شده باشه، ولی تو آینه دیدم به اون خانم یه چیزی گفت و ایشون هم حجابشو درست کرد.

نماز صحیح

توی نمازخونه بودم و نماز جماعت تموم شده بود. یواش یواش داشتم می‌رفتم بیرون که دیدم یه نفر داره نماز می‌خونه اما سجده‌ی نمازش رو درست به جا نمیاره.

بعد از این که نمازش تموم شد، رفتم نزدیک و بهش توضیح دادم که سجده‌ی درست چه شرایطی داره. از این که تونستم تو چیزی

سرویس امر به معروف و نهی از منکر

#هم_خانواده‌ایم

یادش به خیر!

از وقتی کرونا اومد، تقریباً از اوایل اسفند ماه پارسال بود که دیگه خوابگاه طرشت رو ندیدم. یادمه اون اوایل که ورودی جدید بودم، یه بار یکی از بچه‌های اتاق بغلی‌مون داشت آهنگ گوش می‌داد و صدایش توی اتاق ما هم میومد. آهنگ خوبی نبود.

عزیزدلم رو صدا کردم و بهش توضیح دادم درسته بعضی آهنگ‌ها گوش کردنش هیچ اشکالی نداره، اما در عوض بعضی از آهنگ‌ها هم هستن که از نظر شرعی حرامه. فکر نمی‌کردم، اما از حرفم استقبال کرد و این قضیه بهونه‌ای شد برای آشنایی ما. یادش به خیر!

در حال رانندگی

در حال رانندگی بودم که دیدم تو ماشین جلویی، یک خانم صندلی عقب نشسته و

دره‌پی در دهان

نحوه آشنایی با هیأت، اتفاقات جالب و صحنه‌های تاثیرگذار، روایت خادمی‌های خالصانه و... خلاصه هرچه از حال و هوای آن برمی‌آید.

می‌توانید صفحات قبلی‌ش را روی کانال مکتوبات هیأت الزهرا(س) مطالعه کنید و برگ بعدی دفتر هیأت را شما بنویسید:

@AzzahraaMaktubat

عزاداری همه رو خود بچه‌هایی انجام دادن که بیرون فقط به درس خوندنشون و رتبه کنکورشون نگاه میکنن

تجربه محرم امسال یکی از متفاوت ترین محرما‌ی عمر من بود، یک شب که نرفتم خونه دیدم که بعضیا تا نصفه شب با جون و دل موکتا رو جمع میکردم که بوقت جای عزادارای امامشون خیس نمونه، اونایی که شاید در طول روز کمتر از سه چهار ساعت می‌خواهیدن قدرتی داشتن که هیچ جایی نمیشه پیدا کرد. همه اینا یه دونه هدف بیشتر نداره، بیمه کردن یه عمر زندگی با نوکری کردن برای ارباب.

سرویس «دفتر هیأت» جایی است برای نوشتن از خاطرات مراسم‌ها،

روزای آخر دهه اول محرم رسیده بود. محرمی که با همه سالها فرق میکرد، هیچ هیاتی دیگه اون شور و حال گذشته رو نداشت. خیلی از جاها کلا مراسم‌ها رو کنسل کرده بودن. ولی مگه دل یه بچه‌هیاتی اجازه محرم بگذره و برا اربابش عزاداری نکنه!؟

محرم امسال با اینکه دیگه کرونا اجازه نمی‌داد مثل گذشته عزاداری کنیم ولی هیاتی‌های هیأت الزهرا زحمت کارهای ۱۰۰ برابری رو با جان دل خریدن و کارهایی کردن که شاید هیچ دلیلی جز عشق به اربابشون نتونم توجیهش کنه. امسال از انداختن موکت و چسب زدن جای نشستن و ضد عفونی کردن‌ها گرفته تا سیم کشی کل دانشگاه برای پخش کردن صوت و تصویر مراسم

صالح شجاعی

۵ دقیقه

۹۸ کامپیوتر



صاحب امتیاز: هیات الزهرا (س)

سردبیر: بهنام بالغی

مدیر مسئول: مهدی فخرآبادی

طرح جلد: محمدعلی بلندزاده

صفحه‌آرا: محمد علی بلندزاده
سرپرست گروه ویراستاری: محمدجواد تحصیل‌دار

همکاران حیات: رویا احمدیان - مسلم اکبرزاده - بهنام بالغی - محمدعلی بلندزاده - هدی بهمنی - فاطمه حوراء عظیمی - مریم سادات رضوی - احمد زعفرانی - صدرا صادقی - رضا صانعی‌پور - ریحانه مشهدی - زهرا طائفی - مریم عراقی - مهدی فخرآبادی - امیرحسین فرشی ستوده - بهاره لطفعلی‌پور - مریم محمدی - سیدعلیرضا موسوی‌زاده - سید حسن موسوی گرم‌رودی

تجربیه این شماره: علی محمداسماعیلی - بهزاد بالغی - محمدعلی بلندزاده - امین شبان سفیدان - صالح شجاعی - صدرا صادقی - محمدجواد علاءالدینی - امیرحسین فرشی ستوده - سید پارسا قزوینی - زینب محمودی

با تشکر از: زهرا اکبری - فاطمه بحرانی - علیرضا چگنی - سید محمدرضا حسینی شکرآبی - امیرحسین زندنیا - مرتضی شاکر آرائی - علی قائم‌دوست - سید پارسا قزوینی - علی لطفی - مرضیه محمدی - ریحانه مشهدی - محمدامین مودی

در این شماره برای پاسخ به چنین پرسش‌هایی در تلاشیم:

چرا باید حکومت اسلامی در منظومه فکری اسلام چیست؟

نقش حکومت در سعادت اخروی و دنیوی امت اسلامی کجاست؟

آیا جمهوری اسلامی ایران حکومت تراز اسلام است؟

هدفمان از تشکیل حکومت اسلامی چه بود و چه میزان در رسیدن به اهداف موفق بوده‌ایم؟

وضعیت حاکمیت کشوری که داعیه‌ی حکومت اسلامی دارند به چه نحو است؟

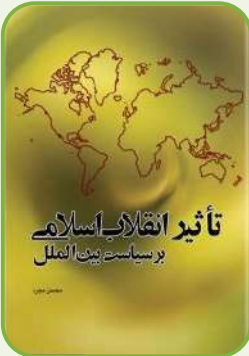
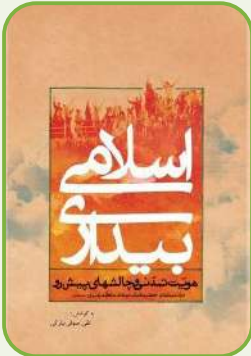
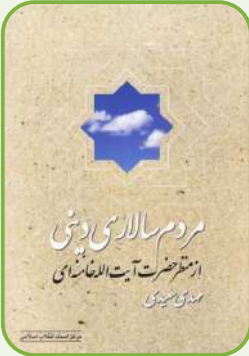
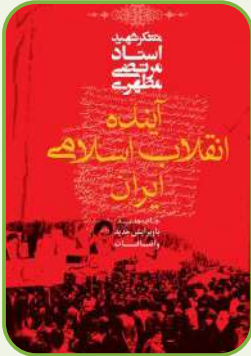
برای مطالعه بیشتر در مورد موضوع پرونده ویژه این شماره منابع زیر را پیشنهاد می‌کنیم (با کلیک بر روی تصاویر می‌توانید به محتوا دسترسی پیدا کنید)

کتاب «مردم‌سالاری دینی» از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نوشته مهدی سعیدی یکی از کتاب‌های مرکز اسناد انقلاب اسلامی است که به موضوع مهم مردم‌سالاری دینی در حکومت اسلامی می‌پردازد.

کتاب «آینده انقلاب اسلامی ایران» شامل مجموعه سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های استاد شهید آیت‌الله مطهری درباره انقلاب اسلامی ایران است که بخش اعظم آن در فاصله زمانی پیروزی انقلاب اسلامی تا شهادت آن عالم ربانی (یعنی دو ماه و بیست روز) انجام شده است. دو سخنرانی از این مجموعه در زمان اوج نهضت اسلامی ایراد شده، اولی تحت عنوان «اهداف روحانیت در مبارزات» که در آبان ۱۳۵۷ در دانشگاه صنعتی شریف در همایشی به نام «همبستگی» صورت گرفته و دومی تحت عنوان «مفهوم آزادی عقیده» در دوم بهمن ۱۳۵۷ در دانشکده الهیات و معارف اسلامی ایراد شده است.

کتاب «تأثیرات انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل» نوشته‌ی محسن مجرد درباره تأثیرات انقلاب اسلامی سخن می‌گوید که تنها به حوزه‌ی نظری و اندیشه محدود نشد، بلکه بازتاب‌هایی هم در حوزه‌های عمل داشته است. این انقلاب به دلیل برخورداری از ماهیت جهان شمول نه تنها در جهان اسلام و جنبش‌های اسلامی معاصر تأثیر شگرفی بر جای نهاد، بلکه در اندیشه و سیستم بین‌الملل نیز منشا تغییراتی شد.

کتاب «بیداری اسلامی» نوشته‌ی تقی صوفی نیارکی است که به بیداری اسلامی پرداخته است؛ بیداری اسلامی به مجموعه تحولات فکری، اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی در جهت بازگشت به حاکمیت قرآن، سنت و ارزش‌های اسلامی در زندگی سیاسی و اجتماعی و ساخت تمدن اسلامی اطلاق می‌شود.



پرسش و پاسخ

شناس تنها
@HosseinFatemi8
Replying to @_E_m
توی اون پنج سال نمونه‌ای از حکومت اسلامی بود که حتی در روایات مخالفین امیرالمومنین هم ذکر شده. بنظرم مطالعه بیشتر در مورد تاریخ اون دوران میتونه بهت کمک بیشتری بکنه. تازه من خودمم موافقم که چون نمونه کاملی دیده نشده نباید دین رو با سیاست ترکیب کرد تا عالمش بیاد...

Mh_Nr
@mohd1879
روز قدس فقط روز فلسطین نیست، روز اسلام است؛ روز حکومت اسلامی است. روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است، روز مقابله ملت‌هایی است که در زیر فشار ظلم آمریکا و غیر آمریکا بودند، روزی است که باید مستضعفین مجهز بشوند، در مقابل مستکبرین، و دماغ مستکبرین را به خاک بمالند...

سجاد
@SajjadNaraghi
حکومت امام معصوم و غیر معصوم (ولو اسلامی) چه تفاوت‌هایی با هم دارن؟ حکومت غیرمعصوم چه خلاهایی داره؟ رابطه ما با این حکومت‌ها چه تفاوت‌هایی با هم داره؟ و هیئت بعنوان ریشه دازترین سازمان مردم نهاد شیعه چطور می‌تونه «نیاز به امام معصوم و ظهور» رو در جامعه تبیین و ترویج بکنه؟
Translate Tweet
#حج_الحسین_یجمعنا @iaminsharif · 30 Jun
چند نفر از عزیزان صاحب اندیشه و دغدغه‌مند رو دعوت میکنم اگه پیشنهادی برای محتوای #محرم99 دارند بفرمایند (ترتیب معنای خاصی ندارد): ...

Fateme
@f_hghasemali
Replying to @SarbazSaleh
تو مدرسه‌ی ما چندین نفر بودن که حجتیه بودن. مستقیم اعلام نمی‌کردن ولی از عقایدشون مشخص بود و منکر هم نمی‌شدن. بارزترین اعتقادشون جدایی دین از سیاسته و می‌گن تشکیل حکومت اسلامی باعث عقب افتادن ظهور می‌شه. یک سری سخت‌گیری‌های عجیب مذهبی هم دارن.

Mostafa_Alavi
@Mostafa_alavi
Replying to @AmirmVaezi
خب پس باید به هیچ نوع حکومت اسلامی و پایه‌های انقلاب 57 هم اعتقادی نداشته باشیم. چون دقیقاً بر اساس همین تفکر اجرای احکام اسلام بوده. منم قبول دارم و معتقدم که فقیه‌های ما توانایی حل مسائل ملکتی رو ندارن ولی این که میگین من دوس دارم مسائل اجتماعو با عرف ببرم جلو خیلی خطرناکتره:(